

مدل مفهومی عوامل مؤثر بر کاهش جرم در حاشیه شهر مشهد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۵

علی رضا رشیدیان*

هانیه هژیرالساداتی**

عباس شیخ‌الاسلامی***

محمود قربانی****

چکیده

مقاله حاضر ماحصل پژوهشی است که با هدف پردازش مدل مفهومی عوامل مؤثر بر کاهش جرم در حاشیه شهر مشهد انجام شده است. پژوهش از نوع اکتشافی، رویکرد آن کیفی و روش آن دلفی سه مرحله‌ای است. جامعه آماری پژوهش نیز ۲۵ نفر از افراد واجد شرایط هستند که به صورت هدفمند و قضاوتی از بین متخصصان و خبرگان انتخاب و از آن‌ها نظرخواهی شده است. با بررسی و مطالعه انواع نظریه‌ها، مدل‌ها و الگوهای مرتبط با موضوع پژوهش به همراه گردآوری و مرور پیشینه و سابقه اجرای پژوهش و نیز به‌کارگیری تکنیک دلفی طی سه مرحله، داده‌های مورد نیاز گردآوری و مورد تحلیل قرار گرفت و سپس مدل مفهومی و مستخرج از تکنیک دلفی در مورد عوامل مؤثر بر کاهش جرم در حاشیه شهر مشهد ترسیم شده است.

واژه‌های کلیدی: جرم، مدیریت مقابله و کنترل جرم، پیش‌گیری از جرم، حاشیه شهر مشهد.

* گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

honey_hozhabr@yahoo.com

** گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

*** گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

**** گروه مدیریت، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

مقدمه

حاشیه‌نشینی یکی از پیامدهای مخرب نابسامان رشد شتابان جمعیت است که به طور روزافزونی در حال افزایش است. بسیاری از کشورهای جهان از جمله ایران، دوره‌هایی از حاشیه‌نشینی را تجربه کرده یا می‌کنند. تفاوت آن در کشورهای توسعه‌یافته با کشورهای در حال توسعه، از حیث ریشه‌های تاریخی به وجود آورنده، رفتار کالبدی و اجتماعی آن است. در بیشتر شهرهای بزرگ ایران نیز که از رشد جمعیت بالایی برخوردارند، به وضوح مناطق حاشیه‌نشین به چشم می‌خورد که خود مسائل و معضلات مختلف و پیچیده‌ای را فراروی مدیریت شهری کشور قرار داده است. شهر مشهد نیز به عنوان دومین کلان‌شهر ایران و پایتخت معنوی آن در این خصوص در مرز بحران قرار گرفته و بنا بر آمارهای رسمی، قریب به یک‌سوم جمعیت آن در حاشیه این شهر زندگی می‌کند (صابری‌فر و جنگی، ۱۳۶۹: ۱۳۹). چون جرم، انحراف، نابهنجاری، شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌های مجرمانه، ناامنی و بی‌نظمی از جمله مسائل مرتبط با این پدیده است (بشیریه و مظفری، ۱۳۹۷: ۱۶۵) حاشیه‌نشینی در شهر مشهد، توجه جرم‌شناسان، جامعه‌شناسان و به تبع آن، سیاست‌گذاران عمومی و جنایی را به خود جلب کرده است. عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در شهرها و پیامدهای آن ناشی از برهم‌کنش مؤلفه‌های متعدد و متنوعی در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... است.

از این رو، اتخاذ سیاست‌های مناسب برای کنترل حاشیه‌نشینی و مسائل مرتبط با آن نیازمند رویکردی ژرف، جامع، کل‌نگر و پایدار است. بر این اساس، مسئله اصلی این پژوهش، شناسایی عوامل مؤثر بر کاهش جرم در ابعاد مختلف زیست بشری در حاشیه شهر مشهد است تا سیاست‌های عمومی و جنایی در این عرصه را تسهیل کند و مسائل و پیامدهای ناشی از جرم‌خیزی در این حوزه جغرافیایی را کاهش دهد. حاشیه‌نشینی، فرجام تمدن مدرن صنعتی و یکی از تجلیات غم‌انگیز شهرنشینی سریع است که در کشورهای در حال توسعه به سبب نبود سیاست‌گذاری‌های مناسب چندان سازمان‌دهی نشده است (حسینی، ۱۳۸۴: ۱۲). پدیده افسارگسیخته و نابسامان رشد شهرنشینی به ویژه در کشورهای جهان سوم پیامدهای منفی گسترده‌ای را به بار آورده که یکی از آن‌ها، ظهور حاشیه‌نشینی به مثابه نماد نابرابری اجتماعی و تجلی نابرابری فضایی در توزیع امکانات توسط مدیران و برنامه‌ریزان (هزارجریبی و دیگران،

۱۳۸۸: ۷۴) کشورهاست. آمارهای ارائه شده از جانب سازمان‌های بین‌المللی نشان می‌دهد حدود یک‌ششم جمعیت جهان در مناطق زاغه‌ای و حاشیه‌ای زندگی می‌کنند و به امکانات ضروری شهری دسترسی ندارند (Wacquant, 2019: 25). قشر فقیر حاشیه‌نشین شهری در چرخه‌ای (چرخه‌ای با نام شهری شدن فقر یا فقر شهری) از فقر، کمبود امکانات بهداشتی، شرایط نامطلوب زندگی، بدمسکنی و بی‌سوادی گرفتار شده‌اند که در این چرخه، دلایل این نابسامانی‌ها کاملاً مشخص نیست.

در ایران نیز حاشیه‌نشینی یکی از عوارض مهاجرت‌های داخلی از روستا به شهر یا از مناطق مرکزی شهرها به حاشیه آن‌هاست که پیوسته توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران اجتماعی و شهری را به خود جلب کرده است. این پدیده در واقع در پی حرکت جوامع از سنتی به مدرن و تعارض‌های مربوط به این فرایند همچنان به تشکیل و بقای خود ادامه می‌دهد و منجر به بروز اشکال ترکیبی بی‌سامان، متفاوت و ناهماهنگ با بافت سنتی نسبتاً یکدست شهری شده است (پارسا‌پژوه، ۱۳۸۱). حاشیه‌نشینان از یک سو درگیر چالش‌های اقتصادی و اجتماعی بسیاری هستند و از سوی دیگر، محیط اصلی شهر را نیز دچار بسیاری از آسیب‌های اجتماعی مانند ناامنی و نظایر آن می‌کنند.

اختلاف و شکاف فاحش و چشم‌گیر درآمدی میان طبقات اجتماعی ساکن شهرهای بزرگ و گرانی و سنگینی هزینه‌های جاری زندگی موجب می‌شود مهاجران غیرمتخصص که درآمد آنان کفاف مخارجشان را نمی‌دهد، برای برآوردن نیازهای خود دست به هر کاری، ولو غیرقانونی بزنند. در چنین مناطقی، به سبب از بین رفتن ارزش‌های انسانی، کج‌روی‌های اجتماعی سریعاً رشد می‌کند و اعمالی چون دزدی، اعتیاد، قاچاق، فحشا و نظیر آن گسترش می‌یابد (ستوده، ۱۳۸۹: ۶۴). بر این اساس، دو نوع اقدام در حاشیه شهرها به موازات یکدیگر ضرورت دارد: اقدام کنشی به منظور رفع عوامل ساختاری گسترش حاشیه‌نشینی و اقدام واکنشی در برابر جرائم، ناامنی و بی‌نظمی.

بنابراین، یک انتخاب مهم در سیاست‌گذاری در قبال این مناطق، گزینش میان اقدامات کنشی یا واکنشی در قبال آسیب‌ها، معضلات و مسائلی است که در این مناطق رخ می‌دهد. در عرصه سیاست‌گذاری‌های عمومی و جنایی، عموماً این تعبیر وام‌گرفته از علم پزشکی کاربرد دارد که

پیش‌گیری بهتر از درمان است؛ زیرا اقدامات پیش‌گیرانه به‌رغم نیازمند بودن به سرمایه‌گذاری (اعم از سرمایه‌گذاری مادی، معنوی و منابع انسانی) در طولانی‌مدت موجب نتایج و پیامدهای مثبت بیشتری می‌شود، اما مسئله اساسی آن است که صرف تمرکز بر پیش‌گیری نیز که مستلزم برنامه‌ریزی‌های طولانی‌مدت است، پاسخ‌گوی نیازهای فوری‌تر در حاشیه شهرها نیست. بنابراین، اندیشمندان حوزه جرم‌شناسی و نظام عدالت کیفری بر این باورند که اقدامات کنشی و واکنشی باید هم‌سو و به موازات با هم به صورت مکمل پیش برده شوند. بنابراین، به جای واژه پیش‌گیری، از واژه کاهش جرم استفاده می‌کنند که در برگزیده هر دو نوع اقدامات پیش‌گفته است (Ratcliffe, 2004: 7).

«پیش‌گیری از جرم» مفهومی است که از زمان‌های دور مورد استفاده بوده، اما «کاهش جرم» مفهومی بسیار جدید است. این دو اصطلاح در عرف، معمولاً هم‌معنی یا جایگزین هم مورد استفاده قرار می‌گیرند و تفاوت خاصی بین آن دو احساس نمی‌شود، اما از نگاه کارشناسی مترادف دانستن این دو واژه می‌تواند ابهام‌آفرین باشد؛ زیرا این دو واژه جدا از تشابه بین آن‌ها، با هم تفاوت هم دارند. پیش‌گیری از جرم در بهترین شکل آن به افرادی توجه دارد که در فعالیت‌های جنایی درگیر نشده‌اند (از قبیل نوجوانان و سایر افراد غیربزه‌کار) و به دنبال پاسخ به این سؤال است که «چه کاری می‌توان انجام داد تا اطمینان حاصل شود که آن‌ها هرگز مرتکب جرم نشوند؟». پیش‌گیری از جرم همچنین بر مکان‌ها و موقعیت‌هایی توجه دارد که هنوز به دلیل رواج فعالیت‌های مجرمانه دچار مشکل نشده‌اند و به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که چگونه می‌توان مطمئن شد که در این اماکن و فضاها، جرم هرگز به معضل تبدیل نشود؟

نقطه آغاز اقدام برای کاهش جرم، افراد، مکان‌ها یا موقعیت‌هایی هستند که به خاطر داشتن فعالیت‌های مجرمانه معروف شده باشند. موضوع کاهش جرم می‌تواند گروهی از مجرمان باشد که سوابق متعدد ضرب و جرح و زورگیری دارند؛ ممکن است محله مسکونی باشد که گرفتار نرخ بالای سرقت خانه‌ها شده است؛ یا می‌تواند وضعیتی مانند پارتی‌های مختلط خانگی باشد که در آن مواد مخدر مصرف می‌شود. کاهش جرم با ارزیابی مشکل فعلی و تدوین و اجرای راه‌کارهایی برای کاهش میزان جرم یا به حداقل رساندن آسیب‌های ناشی از جرم انجام می‌شود. فعالیت‌های پیش‌گیری از جرم و کاهش جرم اغلب می‌توانند مشترک باشند. اگر پس از وقوع

چند مورد زورگیری شبانه در یک خیابان کم‌نور، اقدام به نصب چراغ‌های جدید و افزایش روشنایی و قدرت دید عابران شود، این امر هم از زورگیری‌های آتی پیش‌گیری خواهد کرد و هم نرخ زورگیری آن خیابان را کاهش خواهد داد. اغلب این‌گونه نیست که یک شهر کاملاً جدید از ابتدا با در نظر گرفتن معیارهای پیش‌گیری از جرم ساخته شده باشد، بلکه پیش‌گیری از جرم بیشتر در درون شهرها و روستاهای موجود صورت می‌گیرد که در آن‌ها از قبل سطوحی از جرم و بزه‌کاری وجود داشته است.

بنابراین، بسیاری از کارهای انجام‌شده برای مقابله با جرم، بسته به چشم‌انداز موجود، هم می‌تواند پیش‌گیری از جرم (جلوگیری از وقوع جرائم آینده) نامیده شود و هم کاهش جرم (کاهش مسئله جرم فعلی). یک نوع پیش‌گیری از جرم هم که به نام «پیش‌گیری ثالثیه» خوانده می‌شود، به طور خاص مرتبط با جلوگیری از تکرار جرم توسط بزه‌کاران است. برخی بر این باورند که پیش‌گیری ثالثیه در واقع کاهش جرم است و نباید در اصل به آن «پیش‌گیری از جرم» گفته شود، اما این عبارت یکی از اصطلاحات تثبیت‌شده در ادبیات پیش‌گیری از جرم است و تغییر ادبیات موجود به دلیل دوجبهی بودن پیش‌گیری ثالثیه چندان ضروری به نظر نمی‌رسد. پس در واقع از نظر جرم‌شناختی خیلی بجا خواهد بود که از عبارت «پیش‌گیری از جرم» در مورد کسانی استفاده شود که هنوز مرتکب جرم نشده‌اند، اما ممکن است در آینده در معرض خطر ارتکاب جرم قرار داشته باشند. در زمان بحث درباره مکان‌ها یا موقعیت‌هایی هم که جرم در آن‌ها در نقطه اشباع یا بحران نیست، عبارت «پیش‌گیری از جرم» قابل قبول خواهد بود، اما در مورد افراد و مکان‌های دارای معضل جرم، بهتر است از عبارت «کاهش جرم» استفاده شود (محمدنسل، ۱۳۹۳: ۱۲).

قلمرو این پژوهش به سبب سهولت دسترسی اطلاعات برای پژوهش‌گر و وجود پیشینه مدیریتی، شهر مشهد انتخاب شده است. مشهد به عنوان دومین کلان‌شهر مذهبی دنیا و بزرگ‌ترین مادرشهر شرق کشور، دارای جمعیت حدود ۳/۴ میلیون نفر به همراه جمعیت زائر (سالانه ۳۰ میلیون نفر) با توزیع نسبی در ماه‌های مختلف سال است. بخش‌های شمال، شمال شرق و شمال غرب، بزرگ‌ترین مناطق حاشیه‌نشین این شهر به شمار می‌آیند. این شهر به عنوان یکی از کلان‌شهرهای ایران، در مرحله گذار به توسعه‌یافتگی قرار دارد و در این فرایند دچار

تغییرات اساسی و ساختاری در ابعاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است، به نحوی که در اثر این تغییرات، مسائل اجتماعی متعددی از جمله حاشیه‌نشینی برای ایجاد شده است (بختیاری و دیگران، ۱۳۹۲: ۱). بخش‌های حاشیه‌نشین هم‌اکنون جمعیتی بیش از یک میلیون و دویست هزار نفر را در خود جای داده که ۳۶ درصد جمعیت شهر مشهد را شامل می‌شود. مناطق حاشیه‌نشین این شهر به سبب بروز و رشد جرایمی مانند سرقت‌های مهم، زورگیری و سرقت به عنف، سرقت مسلحانه، قتل، آمربایی، خرید و فروش و استفاده از مواد مخدر و مانند آن‌ها، کانون بحران‌ها، کمبودها، نارضایتی‌ها، ناهنجاری‌های اجتماعی، روانی و فرهنگی و مسائل ضدامنیتی شده و بدیهی است در آینده‌ای نه چندان دور و در صورت بی‌توجهی به آن، به ناامن‌تر شدن شهر مشهد خواهد انجامید.

بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش این است که چگونه می‌توان مدلی مفهومی در مورد عوامل مؤثر بر کاهش جرم در حاشیه شهر مشهد طراحی کرد؟ بر اساس مطالب پیش‌گفته، منظور از مدل در این پرسش، چارچوبی جامع، پایدار، هماهنگ و بومی برای اتخاذ هر دو نوع اقدامات کنشی و واکنشی در این شهر است و از این رو، شامل شش بُعد اقتصادی، کالبدی- زیرساختی، حقوقی- قضایی، امنیتی- انتظامی، اجتماعی و فرهنگی و مؤلفه‌های منتج از آن‌ها می‌شود.

الف. چارچوب نظری

بنا بر تفاوت‌های فلسفی- پارادایمی میان روش‌شناسی‌های کمی و کیفی، استفاده از نظریه در روش‌شناسی کیفی، به منظور نظریه‌آزمایی صورت نمی‌گیرد و نظریه‌ها صرفاً نقشی الهام‌بخش و مکمل در فرایند پژوهش و تحلیل داده‌ها دارند و از نظریه‌ها به منظور ایجاد حساسیت نظری- مفهومی و کمک به بازبودن ذهن محقق نسبت به مسائل و مقوله‌های مورد پژوهش استفاده می‌شود. نظریه‌ها به مثابه لنز نظری تحقیق یا راهنمای عمومی محقق برای یافتن مسیر تحقیق و جستجوی مقوله‌های عمده و کمک به محقق برای بسط معرفتی در حوزه نظری تحقیق یا برای کمک به تدوین سؤالات عمومی تحقیق و همچنین تدوین چهارچوب مفهومی یا مدل مفهومی تحقیق کیفی هستند. طرح کیفی، گرایش به تبیین و اکتشاف دارد و به صورت استقرایی انجام می‌شود؛ به منظور اکتشاف، از مصاحبه‌های باز استفاده می‌شود. سپس مفاهیم یا مضامین

کشف شده دسته‌بندی می‌شوند و با تفسیر و ایجاد ارتباط بین این مضامین، مدل یا نظریه به دست می‌آید (Patton, 2001: 55). هدف تحقیقات تفسیری، کشف معنا از دیدگاه کنش‌گران است؛ تا در نهایت، سیستم معانی مشترک در فرایند تحقیق استخراج شود. مدل مفهومی مستخرج از واقعیت، همان سیستم معانی مشترک کنش‌گران مورد مطالعه (مشارکت‌کنندگان در تحقیق) است (ایمان، ۱۳۸۸).

با توجه به اهداف و سؤالات پژوهش در این بخش باید به بررسی رویکردهای نظری در مورد علت‌شناسی پدیده مجرمانه در حاشیه شهرها و چارچوب‌های تحلیلی برای انتخاب مناسب‌ترین پاسخ (کنش یا واکنش) در برابر آن پردازیم. بر این اساس، ابتدا به مرور مختصر برخی از نظریه‌های مبین پیوند وقوع جرم با حاشیه‌نشینی و سپس، به بررسی رویکرد جرم‌شناسی پیش‌گیری و مکتب جرم‌شناسی شیکاگو پرداخته خواهد شد.

۱. نظریه‌های پیوند جرم و حاشیه‌نشینی

دورکیم اولین کسی بود که مفهوم آنومی یا نابسامانی را که عبارت است از شرایط به‌هم‌ریخته و درهم و برهمی که در آن هنجارهای اجتماعی ضعیف می‌شوند و از بین می‌روند یا در تضاد با یکدیگر قرار می‌گیرند و هم در فرد و هم در جامعه تجلی پیدا می‌کند، وارد جامعه‌شناسی کرد. بر اساس نظریه آنومی، می‌توان گرایش جوانان حاشیه‌نشین را به انجام رفتارهای کج‌روانه تبیین کرد که بر مبنای آن جامعه از یک طرف اهداف و ارزش‌های مطلوبی را به شیوه‌های مختلف تبلیغ می‌کند و از طرف دیگر، وسایل دسترسی به این اهداف به طور مساوی در اختیار همگان قرار ندارد. در نتیجه، افراد محروم پیوسته از راه‌های غیرمشروع خواستار دستیابی به اهداف مطلوب هستند و به این ترتیب، ارزش‌های فرهنگی مطلوب جامعه مورد خدشه قرار می‌گیرد (رفیع‌پور، ۱۳۷۶: ۷۵). همچنین، دورکیم با تأکید بر دو مفهوم انسجام مکانیکی و ارگانیکی، بسیاری از مسائل و مشکلات شهری را از این منظر مورد بررسی قرار داد. با توجه به نظر وی، چنین مستفاد می‌شود که در شهرهای بزرگ انسجام ارگانیکی حاکم است، ولی مهاجرین تازه‌وارد که از روستا و مکان‌های اجتماعی کوچک‌تر به شهر مهاجرت می‌کنند از نگرش جامعه مکانیکی برخوردارند (دورکیم، ۱۳۸۱: ۳۶۲).

دورکیم توسعه شهرنشینی تحت تأثیر افزایش مهاجرت را از جمله عوامل مؤثر بر خارج شدن جوانان از نظارت بزرگ‌ترها می‌داند که طی آن از اهمیت و نفوذ سال‌مندان کاسته شده و بر سرعت تغییرات و تحولات اجتماعی افزوده می‌شود. به باور وی، در شهرهای بزرگ، سنت از هر جای دیگری کمتر بر اندیشه‌ها و عواطف مردم تسلط دارد و هر روزه ما در آن شاهد پیدایش رفتارهای تازه و حتی مغایر خواست اکثریت هستیم. دورکیم علت همه رفتارهای غیرعادی را در محیط اجتماعی جستجو می‌کند و در نهایت عقیده دارد که جرم پدیده طبیعی و اجتماعی است و بین جرم و فرهنگ محل وقوع جرم ارتباط وجود دارد. دیدگاه‌های او راه را برای بررسی محیط‌های متفاوت که در آن مجرمین و غیرمجرمین زندگی می‌کنند، هموار کرد و پژوهش‌های گسترده‌ای توسط جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان در مورد تأثیر محیط بر وقوع جرائم انجام شد (دورکیم، ۱۳۸۱: ۲۶۴).

لاکاسانی و مانووریه نیز منشأ تبهکاری را در تأثیرات فرهنگی و اجتماعی یافته‌اند. طبق نظریه مکتبی که لاکاسانی پایه‌گذار آن است، مجرم، بیچاره نظام اجتماعی است و نقص سازمان اجتماعی، او را جنایتکار کرده است. به عقیده آن‌ها، بزه‌کار، میکروبی اجتماعی است و هر میکروب در محیط خاصی نشو و نمو می‌یابد و وجود شرایط مساعد در محیط، موجب رشد و ظهور تبهکاری می‌شود. لاکاسانی می‌گوید: «هر جامعه‌ای دارای تبهکاران مخصوص به خود است و تبهکاران مولود اجتماع خود هستند و اگر محیط اجتماعی آمادگی برای پروردن مجرم نداشته باشد، فعالیت و رشد آن‌ها عقیم می‌ماند» (مسعودی‌فر، ۱۳۸۷). ادوین ساترلند از جرم‌شناسان معروف آمریکاست. وی عقیده دارد اگر فردی در محیط مجاور خود در معرض عوامل جرم‌زا قرار گیرد تا غیرجرم‌زا، شانس و احتمال قانون‌شکنی‌اش افزایش می‌یابد. همچنین، وی معتقد است اشخاصی در معرض عوامل جرم‌زا واقع می‌شوند که برای سهیم‌بودن در همان فرهنگ، علائق و عقایدی داشته باشند و در آن اشکال معینی از رفتار ضد اجتماعی و جنایی ممکن است مورد اغماض واقع شده و مردم احساس کنند برای هم‌نوایی، به آن‌ها نیاز دارند. در این راستا، پارکر، شاو و مک‌کی، محققان آمریکایی، ثابت کرده‌اند که در مناطق حاشیه، با از بین رفتن کنترل‌های اجتماعی که به وسیله آن‌ها مردم به رعایت قیود نیز اعتقاد پیدا می‌کنند، اعمال جنایی به شکل طبیعی جلوه می‌کند (مسعودی‌فر، ۱۳۸۷).

نظریه قشربندی اجتماعی نیز بر آن است که ارتکاب جرم با وضعیت اقتصادی جامعه ارتباط دارد. این دیدگاه هرچند سابقه طولانی دارد، اما دو گونه فرعی آن بر پژوهش‌های مختلف درباره حاشیه‌نشینی و جرم تسلط دارند. دیدگاه نخست که مدل محرومیت مطلق خوانده می‌شود، بر تأثیر جرم‌زای فقدان درآمد مکفی برای تأمین نیازهای معیشتی اولیه تأکید دارد و معتقد است ارتکاب جرم یکی از منابع و شیوه‌های اصلی کسب معاش برای ساکنان نواحی فقیرنشین است. علاوه بر این، مدل فقر مطلق تأکید می‌کند که پیامدهای استرس‌زا و غیرانسانی زندگی در شرایط نامساعد اقتصادی، ناکامی‌هایی را ایجاد می‌کند که از طریق خشونت‌های جسمی و فیزیکی ابراز می‌شود (حکمت‌نیا و افشانی، ۱۳۸۹: ۱۵۹).

۲. جرم‌شناسی پیش‌گیری^۱

جرم‌شناسی پیش‌گیری، شاخه‌ای از جرم‌شناسی کاربردی است که موضوع آن تعیین مؤثرترین وسایل برای تأمین پیش‌گیری از جرم در سطح کشور، شهر یا محله، بدون به‌کارگیری ابزارهای کیفری است (بکاریا، ۱۳۸۹: ۱۳۱). در میان اندیشمندان کیفری، نخستین فردی که قسمتی از اثر مکتوب خود را به پیش‌گیری اختصاص داده، بکاریا است. او در فصل ماقبل آخر کتاب خود با عنوان «چگونه از وقوع جرائم پیش‌گیری کنیم؟» می‌نویسد: «پیش‌گیری از وقوع جرم بهتر از کیفر دادن است.» وی پیشنهاد می‌کند برای کاهش میزان جرم، به جای کیفر بزه‌کاران، با تحول در وضع اقتصادی و اجتماعی جامعه، زمینه‌های ارتکاب جرم از میان برداشته شود. به علاوه، روشنایی خیابان‌ها و گشت و مراقبت پلیس را تدبیری مؤثر برای ممانعت از غلیان برانگیزنده جرم می‌پندارد. همچنین، به اعتقاد وی، برای پیش‌گیری، باید موازین آموزش و پرورش تکمیل شود. بتنام نیز همچون بکاریا در اوایل سده هجدهم راه‌کارها یا راه‌حل‌های پیش‌گیرانه از جمله آموزش و پرورش، فعالیت‌های فرهنگی و... را به عنوان اقدام‌های مکمل کیفر برای مهار بهتر بزه‌کاری مطرح کرد (پرادل، ۱۳۸۱: ۶۵-۶۶).

در تاریخ جرم‌شناسی علمی، فری نخستین فردی بود که به طور گسترده در زمینه مبارزه با جرم، به راه‌کارهای غیرکیفری و پیش‌گیرانه اشاره کرده و از این راه‌کارها با عنوان جانشین‌ها یا

جایگزین‌های کیفر یاد می‌کند که دارای ماهیتی تربیتی، سیاسی، مذهبی، اداری و خانوادگی هستند (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۴۲). از نظر دانشگاهی، به تدریج از دهه ۱۹۳۰ تا ابتدای سال‌های ۱۹۶۰، در پرتو مطالعات جامعه‌شناسی جنایی استادان دانشگاه شیکاگو، وجود رشته‌ای جدید به نام جرم‌شناسی پیش‌گیرانه حیات و دوام یافت (ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۳۵). با شکل‌گیری جرم‌شناسی پیش‌گیری به عنوان یکی از شاخه‌های اصلی در جرم‌شناسی کاربردی، به پیش‌گیری از بزه‌کاری خارج از چارچوب نظام کیفری و قبل از وقوع جرم توجه شد. در واقع، این شاخه از جرم‌شناسی بر اساس یافته‌های جرم‌شناسی نظری از بزه‌کاری در سطوح خرد و کلان، الگوها و سیاست‌های پیش‌گیری از وقوع جرم را بیان می‌کند (Ekblom, 2006).

مراد از واژه پیش‌گیری در جرم‌شناسی پیش‌گیری، قرارگرفتن در مقابل بزه‌کاری با استفاده از تکنیک‌های گوناگون، خارج از نظام کیفری است. از این منظر، مراد از پیش‌گیری هر فعالیت سیاست جنایی است که هدف آن محدودکردن امکان بروز بزه‌کاری از طریق غیرممکن کردن یا سخت‌نمودن یا کاهش احتمال وقوع آن بدون تهدید به کیفر یا اجرای آن است (رایجیان اصلی، ۱۳۸۳: ۱۴۲).

جرم‌شناسی پیش‌گیری به منظور تنظیم تئوری عمومی پیش‌گیری در جرم‌شناسی ایجاد شد. این نظریه، مجموعه اصول لازم برای حصول به اقدام پیش‌گیرانه مؤثر و روابط بین آن‌ها را بیان می‌کند. در حال حاضر این شاخه، به عنوان سومین شاخه از جرم‌شناسی کاربردی قرار گرفته و روش‌های علمی پیش‌گیری از بزه‌کاری را مورد مطالعه قرار می‌دهد (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۹). پیش‌گیری از جرم بر اساس این رویکرد، شامل اقدام‌های غیرکیفری است که پیش از وقوع جرم، به طور عمده در بستر جامعه و بر اساس عوامل مطالعه و شناسایی شده بزه‌کاری با مشارکت سازمان‌های دولتی و نهادهای جامعه‌ای به اجرا گذاشته می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۸). بنابراین، رویکردی است که دولت آن را برای مهار بهتر بزه‌کاری از طریق حذف و محدودسازی عوامل جرم‌زا و مدیریت مناسب و مطلوب محیط‌های فیزیکی و اجتماعی که فرصت‌های مساعد ارتکاب جرم را ایجاد می‌کند، به کار می‌گیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۵۹۶-۵۵۹). پیش‌گیری دارای تقسیم‌بندی‌های مختلفی است. گاه آن را به «کیفری و غیرکیفری» و گاه به «کنشی و واکنشی» و زمانی نیز به «وضعیت‌مدار و فردمدار» تقسیم کرده‌اند. شماری از جرم‌شناسان با الهام

از دانش پزشکی، الگوی سه‌گانه -نخستین، دومین و سومین- پیش‌گیری از بزه‌کاری را ارائه کرده‌اند (استانویک، ۱۳۸۷: ۵۱۱).

مشهورترین و رایج‌ترین تقسیم‌بندی انواع پیش‌گیری مطرح‌شده در جرم‌شناسی پیش‌گیری، تقسیم آن به دو گونه اجتماعی و موقعیت‌مدار است (Waller, 2005). پیش‌گیری اجتماعی، رویکرد غالب جرم‌شناسی پیش‌گیری تا اوایل دهه ۱۹۶۰ محسوب می‌شد و از این رو اجتماعی نامیده می‌شود که فرجام تجربه مددکاران اجتماعی، بدون مداخله پلیس و دادگستری بود و معطوف به مبارزه علیه ناسازگاری جوانان بزه‌کار و محیط نشو و نمای آنان است. از دهه ۱۹۷۰ و در پی کاهش نیافتن جرائم در نتیجه اعمال سیاست‌های مبتنی بر پیش‌گیری اجتماعی، رویکرد وضعی مورد توجه قرار گرفت. این نوع پیش‌گیری، اوضاع پیش‌جنایی را مورد توجه قرار می‌دهد و از طریق تغییر در اوضاع و احوال و شرایط خاص که احتمال ارتکاب جرم در آن زیاد است، موجب دشوارکردن، پرخطرکردن و جاذبه‌زدایی از ارتکاب جرم شده و بر تصمیم بزه‌کاران بالقوه اثر می‌گذارد. از این طریق، از بروز بزه‌کاری پیش‌گیری می‌کند (Ministry of Justice, 2003).

۳. مکتب جرم‌شناسی شیکاگو

شیکاگو یکی از شهرهای ایالات متحده آمریکا است که با ویژگی‌های منحصر به فرد خویش، بیشتر از هر شهر دیگر توجه جامعه‌شناسان را در بین سال‌های ۱۹۳۰-۱۸۶۰ به خود جلب کرد. دانشگاه شیکاگو نقش اساسی را در این جریان بازی کرده و محل تجمع دانشمندان زیادی از چهار گوشه دنیا در این شهر شد. در دهه ۱۹۲۰ گروهی از جامعه‌شناسان که مقر آن‌ها در دانشگاه شیکاگو بود و بعدها به اعضای مکتب شیکاگو^۱ شهرت یافتند، روشی با عنوان «بوم‌شناسی» برای مطالعه زندگی اجتماعی ایجاد کردند که به مطالعه روابط بین گروه‌های انسانی و محیط آنان می‌پردازد. اعضای مکتب شیکاگو این مفهوم را درباره رشد شهرهای بزرگ به کار بردند و چنین استدلال کردند که رفتار انسان را می‌توان بر اساس محیط شهری او تبیین کرد. به ویژه آنان مدعی

شدند که در اثر توسعه شهرهای بزرگ، محله‌های مشخصی به وجود می‌آیند که هر کدام شیوه‌های خاص زندگی خود را دارند (ستوده، ۱۳۸۹: ۱۵۲).

دو تن از این جامعه‌شناسان به نام‌های پارک و برگس^۱ که در زمینه جامعه‌شناسی شهری مطالعه می‌کردند، در تبیین انحرافات اجتماعی بر متغیرهایی که با پدیده شهرنشینی ارتباط داشت، تمرکز کردند. برخی از این متغیرها عبارت بودند از زبان، قومیت، مهاجرت، حوزه‌های سکونت‌گاهی و تراکم جمعیت. به اعتقاد پارک و برگس، محیط فیزیکی شهر با الگوهای فرهنگی- اجتماعی، جمعیت شهری و زندگی شهرنشینی درهم تنیده است. پارک بر این باور بود که نواحی شهری از انگیزه‌ها و غرایز ساکنان ممانعت می‌کند و باعث انحرافات اجتماعی می‌شود. بر اساس نظریه برگس نیز که «الگوی نوع آرمانی^۲» نام دارد، جامعه صنعتی کلان‌شهر از ۵ منطقه سکونت‌گاهی به شکل دوایر متحدالمرکز، از مرکز به پیرامون به شرح زیر تشکیل شده است: منطقه تجاری- مرکزی؛ منطقه انتقالی؛ منطقه سکونت‌گاهی کارگران؛ منطقه سکونت‌گاهی طبقه متوسط؛ و منطقه با کم‌ترین جرم.

برگس معتقد بود که در منطقه انتقالی، به دلایلی چون سطح بالای تحرک جمعیت، نرخ بالای مهاجرت، ویرانی خانه‌ها و تراکم جمعیت (ویژگی‌های مناطق حاشیه‌ای) بالاترین نرخ جرم و بزه‌کاری مشاهده می‌شود. عدم ثبات جمعیتی و بوم‌شناختی در منطقه انتقالی موجب تخریب توانایی کارکردی نهادهای اجتماعی از قبیل خانواده و کنترل رفتار ساکنان می‌شود. از طرفی، ارزش‌های سنتی فرهنگ قومی توان متقاعدسازی نوجوانان و جوانان را نداشته و آنان به وضعیت حاشیه‌ای کشیده می‌شوند. در نتیجه، فاقد هویت‌های گروهی و مرجع‌هایی می‌شوند که آنان را به سمت رفتاری که در جامعه مورد پذیرش است، سوق دهد. در چنین شرایطی، گروه‌های هم‌سال و گروه‌های هم‌سال بزه‌کار جای خالی را پر کرده و راه‌حلی برای خروج از این وجود حاشیه‌ای ارائه می‌دهند. در وضعیت‌هایی که هیچ گروهی به عنوان گروه مرجع در صحنه حاضر نباشد، تداوم انزوا و تنهایی موجب ارتکاب رفتارهای بزه‌کارانه‌ای نظیر استفاده از مواد مخدر و انحرافات جنسی می‌شود (احمدی، ۱۳۸۵: ۵۹-۵۵). پارک و برگس بر این باور بودند

1. Park & Bergs
2. Ideal- Typical Pattern

که چنانچه اقلیت‌های فرهنگی و نژادی مهاجران، از فرهنگ متجانس خود جدا شده و به عنوان خرده‌فرهنگ وارد مناطق شهری، به ویژه سکونتگاه‌های فقیرنشین شوند؛ در شهرهای صنعتی این فرآیند تبدیل گروه‌های اقلیت به خرده‌فرهنگ، همراه با پایگاه اقتصادی-اجتماعی پائین ساکنان و سکونت در زاغه‌نشین‌های شهر منتهی به ایجاد خرده‌فرهنگ بزه‌کارانه و شیوع جرم و جنایت خواهد شد (احمدی، خواجه‌نوری و موسوی، ۱۳۸۸: ۱۰۸).

کلیفورد شاو و هنری مک‌کی^۱ نیز با استفاده از همین نظریه، شهر شیکاگو را به پنج ناحیه تقسیم کردند. آن‌ها میزان تبه‌کاری را برای هر یک از این نواحی بررسی کردند و با استفاده از آمار بزه‌کاران دریافتند که میزان بزه‌کاری به ترتیب از ناحیه یک که مرکز تجارت است به سمت ناحیه پنج که در حاشیه شهر قرار دارد، کاهش می‌یابد (ستوده، ۱۳۸۹: ۱۵۲). شاو و مک‌کی به این نتیجه رسیدند که تبه‌کاری در مناطق فقیرنشین و شلوغ به علت وجود خرده‌فرهنگ‌های جرم‌زا، بیشتر از مناطق متوسط یا اعیان‌نشین است (صارمی، ۱۳۸۰: ۲۶). آن‌ها نتیجه به‌دست‌آمده را این‌گونه تبیین کردند که ناحیه یک، به دو دلیل محل تردد و جابه‌جایی زیاد جمعیت است؛ اول اینکه مهاجرانی که از روستا به شهر می‌آیند، چون اغلب پول کافی ندارند و مخارج در ناحیه یک کم‌تر است، معمولاً زندگی شهری خود را از این ناحیه آغاز می‌کنند. سپس، بسیاری از مهاجران پس از تثبیت وضع خود به نواحی ثروتمند نقل مکان می‌کنند و جای خود را به افراد تازه‌وارد می‌دهند. دومین دلیل جابه‌جایی جمعیت، گسترش مرکز تجاری در این ناحیه شهری است. هجوم به مناطق تجاری که قبلاً مناطق مسکونی بوده است، جابه‌جایی جمعیت را دامن می‌زند. شاو و مک‌کی استدلال کردند که این فرآیند شهری دلیل تمرکز جمعیت و بزه‌کاری در ناحیه انتقال جمعیت است. جابه‌جایی زیاد جمعیت از شکل‌گرفتن جامعه باثبات جلوگیری می‌کند و به بی‌سازمانی اجتماعی منتهی می‌شود که نشانه‌های آن عبارت‌اند از بزه‌کاری، روسپی‌گری، قماربازی، مصرف غیرقانونی داروهای مخدر، مصرف مشروبات الکلی، پرخاش‌گری و خانواده‌های ازهم‌گسیخته. این کج‌رفتاری‌ها به این دلیل در مرکز تجارت و بازرگانی رخ می‌دهند که در مراکز انتقال و جابه‌جایی جمعیت، کنترل‌هایی از قبیل افکار عمومی،

نظارت همگانی و کنترل خانوادگی آن قدر قوی نیستند که از پیدایش ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی جلوگیری کنند (ستوده، ۱۳۸۹: ۱۵۴-۱۵۲).

مطالعات دانشمندان دیگر نظیر تراشر^۱، وایت^۲ و لندر^۳ نیز نتیجه‌گیری شاو و مک‌کی را تأیید کردند (صارمی، ۱۳۸۰: ۳۳) اما با وجود اینکه تبیین‌های بوم‌شناختی با تأکید بر بی‌سازمانی اجتماعی در کلان‌شهرها، باعث شناسایی برخی از عوامل مؤثر بر رفتار انحرافی شدند، بر این دیدگاه نیز در بسیاری از جنبه‌ها انتقاداتی وارد شده است. برای نمونه، برخلاف تحقیقات جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو که بالاترین نرخ جرم و بزه‌کاری را در منطقه انتقالی شهر مشاهده کرده و کاهش میزان جرم و بزه‌کاری را از مرکز شهر به سمت پیرامون نشان داده‌اند؛ در بسیاری از کشورها این الگوی توزیع نرخ جرائم تأیید نشده است. برای نمونه، در آرژانتین نرخ جرائم در حاشیه‌ها و مناطق پیرامونی شهر بالاتر از سایر مناطق شهر است؛ زیرا بخش‌های فقیرتر شهر نزدیک به حومه‌های آن دیده شده است. به علاوه، در این رویکرد، جرائم طبقات پایین جامعه که در مناطق محروم شهر زندگی می‌کنند بررسی شده و کم‌تر به جرائم یقه‌سفیدان توجه شده است. از طرفی، استفاده از آمارهای رسمی که بیش‌تر جرائم و بزه‌کاری‌های طبقات محروم جامعه در آن ثبت شده و روش تحلیل این آمارها، از کاستی‌های روش‌شناختی این دیدگاه است (احمدی، ۱۳۸۵: ۵۹-۵۵).

جدول ۱. مؤلفه‌های هر یک از ابعاد مدل مفهومی اولیه کاهش جرم در حاشیه شهر مشهد

مؤلفه	بعد
فقر اقتصادی	اقتصادی
نابرابری درآمدی	
پائین بودن میزان درآمد افراد ساکن در مناطق حاشیه‌نشین	
احساس شکاف عمیق میان خود و امکانات در بین جوانان قشر پائین جامعه	
پائین بودن سطح مهارت‌های فنی	
رواج مشاغل کاذب	

1. Thrasher
2. Whyte
3. Lander

مؤلفه	بعد
توزیع ناعادلانه منابع، امکانات و فرصت‌ها در سطح جامعه	
بیکاری	
نبود سرمایه کافی برای ایجاد شغل	
افزایش افراطی و بی‌رویه مظاهر ثروت و رفاه در مقابل جلوه‌های فقر	
نابرابری در دستمزدها	
کاهش مداوم نرخ دستمزد	
فقر حاکم بر مناطق حاشیه‌نشین	
فقدان عدالت اجتماعی و شکاف طبقاتی	
عدم جذب در اقتصاد شهر	
بورس‌بازی زمین و مسکن	
کمبود خدمات زیربنایی	کالبدی
مناسب‌بودن محل برای مخفی شدن خلاف‌کاران	
محل مناسب برای تهیه مشروبات الکلی	
تعارض بین قانون و اقدامات مردم در ساخت و سازها که باعث ترویج قانون‌گریزی می‌شود	
عادی شدن برخی جرائم از جمله سرقت انرژی به واسطه بلا تکلیفی قانونی	
موقعیت سوق الجیشی حاشیه شهر	
عدم دسترسی به خدمات مناسب شهری	
عدم اهتمام ضابطان و مأموران قضایی در انجام وظایف خود برای کشف و تعقیب جرم و مجرم	قضایی
تعطل و تأخیر در تعقیب مجرم	
معضل شناسایی و ابلاغ احکام قضایی به واسطه وضعیت بافت شهری مناطق حاشیه شهر	
عدم همراهی و بعضاً حمایت مردم از مجرمین در زمان تعقیب و برخورد قضایی	
عدم اطلاع کافی (پائین بودن آگاهی) مردم نسبت به قوانین و مقررات	
خلاء قانونی	
عدم بازدارندگی قوانین	
عدم تناسب واحدهای قضایی با تراکم جمعیت	
عدم هم‌پوشانی محدوده‌های قضایی	

مؤلفه	بعد
خارج بودن از حوزه نیروی انتظامی	امنیتی - انتظامی
عدم کنترل و نظارت کافی	
نبود حضور فعال نیروی انتظامی	
نارسایی در تشکیلات پلیس و دادگستری و بخش های رو به ویران شهر	
سپردن منصب های مهم به فردی که دچار تخلف های مکرر است	
فعالیت گروه های تندرو مذهبی	
وجود بستر و زمینه یادگیری گروهک های تروریستی	
حضور فاقدین هویت و اتباع خارجی غیرمجاز	
شکست در رسیدن به اهداف ارزشمند مثبت	اجتماعی
فقدان انگیزه های ارزشمند مثبت	
وجود انگیزه های منفی	
تجمع مهاجران با فرهنگ های متعدد	
احساس محرومیت و تنفر و عصبانیت به دلیل توزیع نابرابر و ناعادلانه منابع	
نقش اساسی محیط اجتماعی در شکل گیری انحراف های اجتماعی	
بی ثباتی اجتماعی	
بی هویتی	
آمادگی برای آشوب	
عوارض ناشی از بیماری های دوران کودکی، عقب ماندگی ذهنی	
بی احترامی به موازین و ضوابط جامعه	
فشارهای اجتماعی و روانی مؤثر در ارتکاب به جرم	
ناکارآمدی نظام رفاه اجتماعی	
نابهنجاری ها و رفتارهای اخلاص گرانه چون اعتیاد، ولگردی، تکدی گری و سرقت	
فاصله های طبقاتی زیاد	
تراکم نامناسب جمعیتی	
عدم توان مندسازی حاشیه نشینان	
ناتوانی برخی افراد در سازگاری با محیط	

مؤلفه	بعد
تداخل فرهنگی	
ضعف ایمان و تجمل‌گرایی و رؤیای رسیدن به ثروت یک‌شبه	
استفاده از رانت‌های سیاسی و اقتصادی به سود خود و بستگان	
توجه نکردن به منافع ملی و عمومی کشور	
جدایی خانوادگی	
نرخ کم مشارکت افراد در برنامه‌های داوطلبانه	
کاهش همبستگی اجتماعی	
تراکم جمعیت	
عدم تعلق خاطر و وابستگی به محل سکونت	
عدم توجه مسئولین به عدالت اجتماعی و اقتصادی در سطح شهر	سیاسی
نحوه برخورد مسئولان در حاشیه شهرها و کم‌رنگ بودن حضور ابزارهای کنترل اجتماعی	
از بین رفتن ارزش‌های انسانی	فرهنگی
فرصت مشروع و نامشروع (رابطه بین ارزش‌های فرهنگی و فرصت‌های مشروع)	
پائین بودن سطح تحصیلات ساکنان بومی و ضعف آگاهی‌های اجتماعی	
نارسایی‌های فرهنگی و اجتماعی	
فشار و انحراف فرهنگی	
خرده‌فرهنگ‌های خاص و فقر فرهنگی و تنوع قومی	
فقدان یا کمبود امکانات آموزشی و رفاهی	
آموزش مجریان و مددکاران برای نحوه برخورد با مجرم	
توجه به مسائل فرهنگی	
تعارضات ناشی از تفاوت‌های فرهنگی	
فقدان یا کم بودن مراکز و امکانات فرهنگی	
مشکل انجام اقدامات فرهنگی به لحاظ تنوع و بعضاً اختلافات دیدگاه‌های فرهنگی ساکنین (قومی - مذهبی) که بعضاً باعث بروز مشکلاتی می‌شود.	
خلاء یا ناهماهنگی دستگاه‌های فرهنگی در نحوه حضور در حاشیه شهر	
پائین بودن سطح فرهنگ عمومی و آموزش نامناسب فرهنگی	

ب. روش پژوهش

با توجه به اینکه موضوع این پژوهش پردازش مدل مفهومی کاهش جرم در حاشیه شهر مشهد است، از نظر هدف، توسعه‌ای- کاربردی بوده و رویکرد حاکم بر آن کیفی است. در رویکرد کیفی، ممکن است نظریه‌های مرتبط با مطالعه وجود نداشته باشد یا پژوهش‌گر تمایلی به محدود کردن کار خود به نظریه‌های موجود نداشته باشد. به این ترتیب، رویکرد کیفی می‌تواند به منظور ساخت نظریه‌ای جدید برای توضیح پدیده یا توصیف الگوهای جدیدی به کار رود که در داده‌ها یافت می‌شوند. در رویکرد کیفی، تأکید بر کیفیت و عمق داده‌هاست. بنابراین، داده‌هایی که گردآوری می‌شود، اساساً کیفی است (علیدوستی، ۱۳۸۵: ۹). رویکرد کیفی در پژوهش هنگامی به کار گرفته می‌شود که پژوهش در پی ساخت^۱ باشد نه آزمون^۲. با هدف آزمون، ایده قطعی و روشنی از آنچه پژوهش به دنبال آن است، وجود دارد و این ایده در قالب مدل نظری و فرضیه‌هایی ارائه می‌شود و صحت و سقم آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. در مقابل، اگر پژوهشی اکتشافی و به دنبال «ساخت» مفاهیم، مدل‌ها و چارچوب‌هایی باشد، اغلب، یافته‌های نهایی آن از پیش معلوم نیستند (علیدوستی، ۱۳۸۵: ۱۰).

پژوهش حاضر نیز از نوع اکتشافی و رویکرد به آن نیز در بخشی از تحقیق، از نوع کیفی است و از این رو، روش یا تکنیک دلفی سه‌مرحله‌ای برای پیشبرد پژوهش و حصول نتایج آن انتخاب شده است. روش دلفی از جمله روش‌هایی است که مجموعه‌ای از افراد را به عنوان یک کل، با مسئله یا موضوعی پیچیده درگیر می‌کند. در این روش، چارچوب از پیش تعیین‌شده‌ای مانند فرضیه یا مدل برای پژوهش وجود ندارد و ساخت مدل در طول فرآیند آن و با دسته‌بندی داده‌ها صورت می‌گیرد. این روش بیشتر به دنبال دستیابی به دانش گروهی از متخصصان درباره موضوعی خاص است و در نهایت، با حصول اتفاق نظر میان آن‌ها پایان می‌یابد. از این رو، این روش را می‌توان از لحاظ رویکرد در چارچوب روش‌های کیفی دسته‌بندی کرد (علیدوستی، ۱۳۸۵: ۱۰).

بنابراین، روش دلفی در شرایطی به کار می‌آید که موضوع مورد بحث با ابهام‌های فراوان همراه است؛ داده‌های کافی در دسترس نیستند؛ ارزیابی عینی ممکن نیست؛ گردآوری کارشناسان، ممکن، منطقی یا اثربخش نیست؛ و در نهایت، شما باید: چیزی را در آینده پیش‌بینی کنید، برای فردا برنامه بریزید یا اینکه درباره اقدام مناسب امروز، تصمیم بگیرید. اولین گام در استفاده از روش دلفی، روشن کردن این است که آیا هدف از پژوهش، سنجش نظرات گوناگون درباره موضوع است یا اینکه می‌خواهید گروه را به سوی اتفاق نظر سوق دهید. این روشن‌گری در اجرای روش دلفی بسیار مهم است. به طور کلی، اگر هدف، ایجاد توافق بین اعضاست، ترجیح بر این است که تکنیک دلفی سه دور یا بیشتر اجرا شود و ترکیب اعضا هم در کل فرایند ثابت باشد. همچنین، بسیار مهم است که نرخ پاسخ‌دهی اعضای گروه بالا باشد تا بازخورد لازم به دست آید (Iqbal & Pipon-Young, 2009: 599).

بر این اساس، در این پژوهش، برای پردازش مدل مفهومی، ضمن مطالعه ابعاد و مؤلفه‌های مدل مناسب کاهش جرم در حاشیه مشهد، با تأکید بر رویکرد کیفی و استفاده از تکنیک دلفی، این متغیرها در اختیار پانل خبرگان قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد میزان اهمیت هر یک از متغیرها را مشخص کنند. سپس، ابزار سنجش بخش کمی (پرسش‌نامه) بر این اساس طراحی شد و پرسش‌نامه طراحی شده دوباره در اختیار خبرگان قرار گرفت تا روایی آن را تأیید کنند. در نهایت، نسبت به ارزیابی و سنجش مدل مفهومی کاهش جرم در حاشیه شهر مشهد اقدام شد. اعضای پانل دلفی (جامعه آماری در بخش کیفی) در بخش کیفی که در واقع گروه خبرگان یا پانل دلفی است، باید شامل افرادی باشد که در موضوع پژوهش دارای دانش، تخصص و نظر کارشناسی باشند. این افراد که با عنوان پانل دلفی شناخته می‌شوند، چارچوب جامعه آماری در بخش کیفی یا اعضای گروه خبرگان را تشکیل می‌دهند.

بر این اساس، جامعه آماری یا اعضای پانل دلفی در این پژوهش، شامل کلیه خبرگان و متخصصین صاحب‌نظری می‌شود که دارای یک یا چند ویژگی از شرایط ذیل باشند:

- * اعضای هیئت علمی دانشگاه در حوزه‌های حقوقی، قضایی، اجتماعی و مدیریت؛
- * دارای مدرک کارشناسی ارشد یا دکتری تخصصی در حوزه‌های حقوقی، قضایی، اجتماعی

و مدیریت؛

* متخصص، پژوهش‌گر و مشاور در حوزه‌های مسائل جرم‌شناسی و حاشیه‌نشینی؛
 * دارای بیش از ۱۰ سابقه خدمت و مدیریت در امور قضایی، امنیتی و حاشیه‌نشینی در کلان
 شهرها؛

در این پژوهش، ۲۵ نفر از افراد واجد شرایط را که در چارچوب جامعه آماری بخش کیفی
 قرار می‌گرفتند، به صورت هدفمند و قضاوتی از بین متخصصان و خبرگان مذکور انتخاب شد؛
 که از این پس تحت عنوان اعضای پانل دلفی شناخته می‌شوند.

ج. یافته‌های پژوهش

پس از شکل‌گیری مدل مفهومی اولیه و تعیین ابعاد و مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار در مدل، محقق
 این مدل را در قالب پرسشنامه‌ای تدوین کرد. در واقع، پرسش‌های پرسش‌نامه دلفی مبتنی بر
 مدل مفهومی اولیه و پرسش‌های پژوهش طراحی و آماده شد. پس از آن، نظرات و دیدگاه‌های
 خبرگان و متخصصین در رابطه با مدل مفهومی (به تفکیک ابعاد و مؤلفه‌های) طراحی شده اخذ
 و پرسش‌نامه‌ها بین شرکت‌کنندگان دلفی توزیع شد. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها توسط افراد
 صاحب‌نظر، کار بررسی و ارزیابی نظرات توسط پژوهش‌گر آغاز شد. همان‌طور که بیان شد،
 هدف این روش، رسیدن به اجماع و وحدت‌نظر در زمینه موضوع پژوهش است. در جایی که
 پاسخ‌ها پراکنده و اختلاف‌نظر زیاد بود، مرحله دوم تکنیک انجام شد؛ به این ترتیب که پژوهش‌گر
 بر اساس پاسخی که در این مرحله دریافت کرد، به اصلاح و بازبینی پرسش‌نامه و ارسال مجدد
 به همان صاحب‌نظران قبلی اقدام کرد. در این پژوهش، به منظور دستیابی به اتفاق‌نظر و نبود
 اختلاف‌نظر در انتخاب شاخص‌ها، از روش سه‌مرحله‌ای برای اجرای تکنیک دلفی استفاده شد.
 در دور اول، فهرستی از عوامل (ابعاد و مؤلفه‌ها) که از پژوهش‌های پیشین استخراج شده بود،
 برای اظهارنظر در اختیار اعضای گروه خبرگان قرار گرفت و به صورت حضوری و به همراه
 مصاحبه نسبت به اخذ دیدگاه‌ها و نظرات گروه خبرگان اقدام شد.

نتایج اجرای مرحله اول دلفی: در اجرای مرحله اول طرح دلفی، پرسش‌نامه‌ای شامل ابعاد
 و مؤلفه‌های پیشنهادشده از سوی محقق برای طراحی و سنجش مدل مناسب کاهش جرم در
 حاشیه شهر مشهد، در اختیار پانل دلفی یا اعضای گروه خبرگان قرار داده شد تا نظرات و

دیدگاه‌های خود را پیرامون معنی‌داری و اهمیت حضور هر یک از ابعاد و مؤلفه‌های مدل پژوهش ارائه کنند. در این مرحله، ۱۹ بُعد و ۳۱۰ مؤلفه برای پردازش مدل مفهومی کاهش جرم در حاشیه شهر مشهد برای سه مرحله وقوع جرم؛ مدیریت و کنترل جرم؛ و پیش‌گیری از جرم؛ بر اساس مبانی و ادبیات نظری، تئوری‌ها و مدل‌های موجود و پیشینه پژوهش استخراج و در اختیار اعضای پانل دلفی برای اعلام نظر قرار گرفت. در واقع، در مرحله اول تکنیک دلفی برای مرحله وقوع جرم، تعداد ۷ بُعد (شامل ابعاد اقتصادی، کالبدی، قضایی، امنیتی - انتظامی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی) و ۸۳ مؤلفه و در مرحله مدیریت جرم، تعداد ۶ بُعد (شامل ابعاد اقتصادی، کالبدی، قضایی، امنیتی - انتظامی، اجتماعی و فرهنگی) و ۹۱ مؤلفه و در مرحله پیش‌گیری از جرم، تعداد ۶ بُعد (شامل ابعاد اقتصادی، کالبدی، قضایی، امنیتی - انتظامی، اجتماعی و فرهنگی) و ۱۳۶ مؤلفه در نظر گرفته شد که مجموعاً ۱۹ بُعد و ۳۱۰ مؤلفه است.

بر اساس یافته‌های این بخش، نظرات و دیدگاه‌های اعضای پانل خبرگان در رابطه با هر یک از ابعاد مطروحه به همراه پیشنهادهای آنان مورد تحلیل قرار گرفت و هر بُعدی که بیش از ۷۰ درصد از اعضای پانل با آن موافق بوده‌اند، حفظ شده و باقی ماند و به عنوان بُعد معنی‌دار به مرحله دوم تکنیک دلفی منتقل شد و در مقابل، با بُعدی که بیش از ۳۰ درصد مخالفت کرده بودند، معنی‌دار تلقی نشده و از ابعاد طرح‌شده حذف شد و به مرحله دوم تکنیک دلفی منتقل نشد. مشاهده شد که اکثریت اعضای پانل دلفی در مرحله اول، حضور ابعاد و مؤلفه‌های پیشنهادشده از سوی محقق را برای طراحی مدل کاهش جرم در حاشیه شهر مشهد، مناسب و درست دانسته‌اند؛ به طوری که خبرگان پاسخ‌گو با بیش از ۷۵ درصد از ۳۱۰ مؤلفه مطرح‌شده برای ابعاد مدل کاهش جرم، موافقت کرده‌اند. به عبارت دیگر، اعضای پانل دلفی با ۷۰ مؤلفه از بین ۳۱۰ مؤلفه مطرح‌شده در این مرحله مخالفت کرده و درصد قابل قبولی را به آنان تخصیص ندادند (یادآوری می‌شود که اگر درصد موافقت با مؤلفه‌ای حداکثر ۷۰ درصد باشد، حذف شده و از راه‌یابی آن به مرحله بعدی تکنیک دلفی جلوگیری می‌شود). برای نمونه، فقط ۵۲ درصد از اعضای خبرگان با مؤلفه «برگزاری همایش‌های پیش‌گیری از جرم به صورت سالانه» موافقت کرده و حضور این مؤلفه را در بُعد اجتماعی بااهمیت و مؤثر دانستند و ۴۸ درصد خبرگان با آن

مخالف بودند. بنابراین، این مؤلفه از بین مؤلفه‌های بُعد اجتماعی حذف شده و به مرحله بعدی تکنیک دلفی راه نیافت.

همچنین، اعضای پانل خبرگان پیشنهادهایی اصلاحی بر روی برخی از مؤلفه‌ها داشتند که دیدگاه‌های آنان اعمال شد و سبب ادغام ۶ مؤلفه با یکدیگر و تبدیل آن‌ها به ۳ مؤلفه و ایجاد ۱۴ مؤلفه جدید پیشنهادی نیز شده است. بنابراین، در مجموع با توجه به اعمال پیشنهادها و اصلاحات ارائه‌شده در این مرحله، در اجرای مرحله دوم تکنیک دلفی، تعداد ۱۸ بُعد و ۲۵۱ مؤلفه در مجموع مراحل سه‌گانه حضور خواهد داشت (۵۲ مؤلفه در قالب ۶ بُعد برای مرحله وقوع جرم؛ ۸۳ مؤلفه در قالب ۶ بُعد برای مرحله مدیریت مقابله و کنترل جرم و در نهایت، ۱۱۶ مؤلفه در قالب ۶ بُعد برای مرحله پیش‌گیری از جرم).

نتایج اجرای مرحله دوم دلفی: در این مرحله، هدف آن بود که میزان اهمیت و تأثیر هر یک از ابعاد و مؤلفه‌های مقبول و مؤثر بر کاهش جرم در حاشیه شهر مشهد در مرحله اول، مورد ارزیابی و سنجش دوباره قرار گیرد. همچنین، در این جداول هر بُعد و مؤلفه‌ای که امتیازی بالاتر از ۴ کسب می‌کرد (یادآوری می‌شود که امتیازات ابعاد و مؤلفه‌ها مقداری بین ۱ تا ۵ را می‌توانند اختیار کنند) در مدل پژوهش باقی می‌ماند؛ در غیر این صورت حذف می‌شد. یافته‌های این بخش نشان داد که تمامی ابعاد ۱۸ گانه مفروض در مراحل سه‌گانه مدل کاهش جرم در حاشیه شهر مشهد، از دیدگاه و نظر خبرگان پاسخ‌گو، امتیاز متوسطی بالاتر از حد تصمیم‌گیری ۴ را کسب کردند. بنابراین، اعضای پانل دلفی با تمامی ابعاد مفروض و حاصل‌شده از مرحله اول تکنیک دلفی در مرحله دوم موافقت کردند. همچنین، مشاهده شد که اعضای خبرگان فقط با ۱۸ مؤلفه مخالف بوده و با ۲۳۳ مؤلفه از ۲۵۱ مؤلفه به‌دست‌آمده از اجرای مرحله اول تکنیک دلفی موافقت کرده‌اند (موافقت با حدود ۹۳ درصد مؤلفه‌ها). همچنین، خبرگان پاسخ‌گو تعداد ۱۰ مؤلفه جدید را پیشنهاد کردند که پس از اعمال این پیشنهادها، تعداد ابعاد و مؤلفه‌های راه‌یافته به مرحله بعدی تکنیک دلفی مجموعاً ۱۸ بُعد و ۲۴۳ مؤلفه بود (۴۸ مؤلفه در قالب ۶ بُعد برای مرحله وقوع جرم؛ ۸۰ مؤلفه در قالب ۶ بُعد برای مرحله مدیریت مقابله و کنترل جرم و در نهایت، ۱۱۵ مؤلفه در قالب ۶ بُعد برای مرحله پیش‌گیری از جرم).

در نهایت، با توجه به اینکه اعضای پانل دلفی با تمامی مؤلفه‌های مطرح شده موافقت نکرده و هنوز پراکندگی در پاسخ‌های خبرگان در برخی از مؤلفه‌ها زیاد بود، امکان اعلام اجماع و اتفاق نظر بین اعضای پانل دلفی بر روی مؤلفه‌های هر یک از ابعاد سه‌گانه وجود نداشت. بنابراین، باید کاربست تکنیک دلفی ادامه یافته و مرحله سوم آن نیز اجرا شود. در نتیجه، ابعاد و مؤلفه‌های مستخرج و حاصل شده از اجرای مرحله دوم تکنیک دلفی در پرسش‌نامه‌ای جانمایی شده و از اعضای پانل دلفی خواسته شد نظرات و دیدگاه‌های خود را پیرامون ابعاد و مؤلفه‌های به‌دست‌آمده از مرحله دوم در طیفی پنج‌گزینه‌ای از «کاملاً موافق» تا «کاملاً مخالف» بیان کنند.

نتایج اجرای مرحله سوم دلفی: پس از نهایی شدن هر یک از ابعاد و مؤلفه‌های مرحله دوم و حذف شاخص‌های کم‌اهمیت در این مرحله، در مرحله سوم به جای توزیع مجدد پرسش‌نامه میان گروه خبرگان، با تشکیل پانل خبرگان و نیز اتاق فکر و اصلاح نهایی ابعاد و مؤلفه‌های مدل و همچنین، حصول اجماع بین خبرگان، مراحل تکنیک دلفی به پایان رسید و در نهایت، مدل به دست آمده، ترسیم شد. همچنین، در این مرحله، پرسش‌نامه نهایی پژوهش شامل ابعاد، مؤلفه‌ها و گویه‌ها برای توزیع در جامعه تدوین شد. در ادامه و در جدول ۱ نظر و دیدگاه‌های اعضای خبرگان در رابطه با هر یک از ابعاد و مؤلفه‌های مرحله سوم تکنیک دلفی ارائه شده است.

جدول ۳. توزیع درصد فراوانی نسبی دیدگاه‌های گروه خبرگان در مرحله سوم تکنیک دلفی به همراه شاخص‌های توصیفی در رابطه با ابعاد و مؤلفه‌های مدل کاهش جرم در حاشیه شهر مشهد- در مرحله وقوع جرم

نتیجه	شاخص‌های توصیفی		درصد فراوانی نظرات و دیدگاه‌های خبرگان در مرحله سوم					عناوین ابعاد و مؤلفه‌ها
	انحراف معیار	میانگین	کاملاً موافق	موافق	تأملی موافق	مخالف	کاملاً مخالف	
مثبت	۰/۰۰	۵/۰۰	٪۱۰۰	٪۰	٪۰	٪۰	٪۰	اقتصادی
مثبت	۰/۶۱	۴/۵۰	٪۵۵	٪۴۰	٪۵	٪۰	٪۰	فقر اقتصادی در حاشیه شهر
مثبت	۰/۶۷	۴/۳۵	٪۴۵	٪۴۵	٪۱۰	٪۰	٪۰	نابرابری درآمدی حاشیه‌نشینان با مرکز شهر
مثبت	۰/۷۶	۴/۴۵	٪۶۰	٪۲۵	٪۱۵	٪۰	٪۰	پائین بودن میزان درآمد افراد ساکن در مناطق حاشیه‌نشین
مثبت	۰/۴۷	۴/۷۰	٪۷۰	٪۳۰	٪۰	٪۰	٪۰	احساس شکاف عمیق میان استعداد و توانایی‌های فردی جوانان با امکانات موجود حاشیه شهر
مثبت	۰/۵۵	۴/۷۵	٪۸۰	٪۱۵	٪۵	٪۰	٪۰	توزیع ناعادلانه منابع، امکانات و سرمایه‌ها در سطح جامعه

نتیجه	شاخص‌های توصیفی		درصد فراوانی نظرات و دیدگاه‌های خبرگان در مرحله سوم					عناوین ابعاد و مؤلفه‌ها
	انحراف معیار	میانگین	کاملاً موافق	موافق	تأخوری موافق	مخالف	کاملاً مخالف	
مثبت	۰/۶۰	۴/۵۵	%۶۰	%۳۵	%۵	%۰	%۰	بیکاری حاشیه‌نشینان
مثبت	۰/۶۱	۴/۵۰	%۵۵	%۴۰	%۵	%۰	%۰	نبود سرمایه کافی حاشیه‌نشینان برای ایجاد شغل
مثبت	۰/۶۹	۴/۵۰	%۶۰	%۳۰	%۱۰	%۰	%۰	عدم استقبال از سرمایه‌گذاری در مناطق حاشیه‌نشین
مثبت	۰/۰۰	۵/۰۰	%۱۰۰	%۰	%۰	%۰	%۰	کالبدی- زیرساختی
مثبت	۰/۴۹	۴/۶۵	%۶۵	%۳۵	%۰	%۰	%۰	کمبود خدمات زیربنایی در حاشیه شهر
مثبت	۰/۶۱	۴/۵۰	%۵۵	%۴۰	%۵	%۰	%۰	تعارض بین قانون و اقدامات مردم در ساخت و سازها که باعث ترویج قانون‌گریزی در حاشیه شهر می‌شود
مثبت	۰/۷۶	۴/۴۵	%۶۰	%۲۵	%۱۵	%۰	%۰	عدم دسترسی به خدمات مناسب شهری برای حاشیه‌نشینان
مثبت	۰/۳۸	۴/۸۶	%۸۶	%۱۴	%۰	%۰	%۰	حقوقی- قضایی
مثبت	۱/۳۴	۴/۰۰	%۵۵	%۱۵	%۱۰	%۱۵	%۵	عدم اهتمام ضابطان و مأموران قضایی در انجام وظایف خود برای کشف و تعقیب جرم و مجرم
مثبت	۱/۳۱	۴/۱۵	%۶۰	%۲۰	%۰	%۱۵	%۵	تعطل و تأخیر در تعقیب مجرم
مثبت	۰/۸۱	۴/۳۵	%۵۰	%۴۰	%۵	%۵	%۰	عدم اطلاع کافی (پایین‌بودن آگاهی) مردم نسبت به قوانین و مقررات
مثبت	۱/۱۷	۴/۱۰	%۴۵	%۴۰	%۰	%۱۰	%۵	نبود ضمانت اجرای قوانین قضایی در خصوص مقابله با اسکان و یا جرائم حاشیه‌نشینی
مثبت	۰/۷۶	۴/۷۱	%۸۶	%۰	%۱۴	%۰	%۰	امنیتی- انتظامی
مثبت	۱/۳۱	۴/۱۵	%۶۰	%۲۰	%۰	%۱۵	%۵	نبود کنترل و نظارت کافی در مناطق حاشیه‌نشینی
مثبت	۰/۹۷	۴/۱۰	%۴۵	%۲۵	%۲۵	%۵	%۰	وجود نارسایی در تشکیلات پلیس و دادگستری و بخش‌های رو به ویران شهر
مثبت	۰/۹۵	۴/۵۰	%۷۰	%۲۰	%۰	%۱۰	%۰	حضور فاقدین هویت و اتباع خارجی غیرمجاز
مثبت	۰/۹۴	۴/۴۰	%۶۰	%۳۰	%۰	%۱۰	%۰	مناسب‌بودن محل برای مخفی‌شدن خلاف‌کاران
مثبت	۰/۹۷	۴/۲۵	%۵۵	%۲۰	%۲۰	%۵	%۰	دسترسی آسان به سلاح و مهمات در حاشیه شهر

نتیجه	شاخص‌های توصیفی		درصد فراوانی نظرات و دیدگاه‌های خبرگان در مرحله سوّم					عناوین ابعاد و مؤلفه‌ها
	انحراف معیار	میانگین	کاملاً موافق	موافق	تا حدودی موافق	مخالف	کاملاً مخالف	
مثبت	۰/۹۲	۴/۳۰	٪۵۵	٪۲۵	٪۱۵	٪۵	٪۰	شکل‌گیری گروه‌های مختلف و سازمان‌یافته
مثبت	۰/۳۸	۴/۸۶	٪۸۶	٪۱۴	٪۰	٪۰	٪۰	اجتماعی
مثبت	۰/۷۵	۴/۶۰	٪۷۵	٪۱۰	٪۱۵	٪۰	٪۰	وجود مهاجران با فرهنگ‌های مختلف در مناطق حاشیه‌نشینی
مثبت	۰/۶۰	۴/۵۵	٪۶۰	٪۳۵	٪۵	٪۰	٪۰	احساس محرومیت و تنفر و عصبانیت به دلیل توزیع نابرابر و ناعادلانه منابع
مثبت	۰/۸۶	۴/۳۰	٪۵۰	٪۳۵	٪۱۰	٪۵	٪۰	انحراف‌های اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشینی
مثبت	۰/۸۸	۴/۳۵	٪۵۵	٪۳۰	٪۱۰	٪۵	٪۰	بی‌ثباتی اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشینی
مثبت	۰/۸۸	۴/۳۵	٪۵۵	٪۳۰	٪۱۰	٪۵	٪۰	بی‌هویتی در مناطق حاشیه‌نشینی
مثبت	۰/۶۰	۴/۴۵	٪۵۰	٪۴۵	٪۵	٪۰	٪۰	فشارهای اجتماعی و روانی مؤثر بر ارتکاب به جرم
مثبت	۰/۵۹	۴/۶۵	٪۷۰	٪۲۵	٪۵	٪۰	٪۰	ناکارآمدی نظام رفاه اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشینی
مثبت	۰/۶۰	۴/۵۵	٪۶۰	٪۳۵	٪۵	٪۰	٪۰	نابهنجاری‌ها و رفتارهای اخلاص‌گراانه چون اعتیاد، ول‌گردی، تکدی‌گری و سرقت در مناطق حاشیه‌نشینی
مثبت	۰/۶۰	۴/۵۵	٪۶۰	٪۳۵	٪۵	٪۰	٪۰	فاصله‌های طبقاتی زیاد با سایر مناطق شهر
مثبت	۰/۴۹	۴/۶۵	٪۶۵	٪۳۵	٪۰	٪۰	٪۰	تراکم نامناسب جمعیتی در مناطق حاشیه‌نشینی
مثبت	۰/۵۰	۴/۶۰	٪۶۰	٪۴۰	٪۰	٪۰	٪۰	نبود کارآفرینی و توان‌مندسازی حاشیه‌نشینی
مثبت	۰/۶۱	۴/۵۰	٪۵۵	٪۴۰	٪۵	٪۰	٪۰	تداخل فرهنگی
مثبت	۰/۷۳	۴/۳۰	٪۴۵	٪۴۰	٪۱۵	٪۰	٪۰	عدم توجه مسئولین به عدالت اجتماعی و اقتصادی در سطح حاشیه‌نشین
مثبت	۰/۵۰	۴/۶۰	٪۶۰	٪۴۰	٪۰	٪۰	٪۰	ناهماهنگی سازمان‌ها در نحوه مدیریت مسائل و مشکلات حاشیه شهر
مثبت	۰/۵۰	۴/۶۰	٪۶۰	٪۴۰	٪۰	٪۰	٪۰	نبود عدالت اجتماعی و شکاف طبقاتی
مثبت	۰/۶۹	۴/۵۵	٪۶۵	٪۲۵	٪۱۰	٪۰	٪۰	ضعف آگاهی‌های اجتماعی
مثبت	۰/۵۱	۴/۵۰	٪۵۰	٪۵۰	٪۰	٪۰	٪۰	پائین‌بودن آستانه تحمل به سبب وجود فشارهای اقتصادی و احساس نابرابری و محرومیت شدید

نتیجه	شاخص‌های توصیفی		درصد فراوانی نظرات و دیدگاه‌های خبرگان در مرحله سوّم					عناوین ابعاد و مؤلفه‌ها
	انحراف معیار	میانگین	کاملاً موافق	موافق	تأخودی موافق	مخالف	کاملاً مخالف	
مثبت	۰/۵۰	۴/۴۰	%۴۰	%۶۰	%۰	%۰	%۰	وجود زمینه و قابلیت رشد آسیب‌های اجتماعی
مثبت	۰/۳۸	۴/۸۶	%۸۶	%۱۴	%۰	%۰	%۰	فرهنگی بُعد
مثبت	۰/۶۰	۴/۵۵	%۶۰	%۳۵	%۵	%۰	%۰	مؤلفه‌ها جایگزینی برخی از ضد ارزش‌ها به جای ارزش‌های فرهنگی
مثبت	۰/۶۹	۴/۴۵	%۵۵	%۳۵	%۱۰	%۰	%۰	گرایش به خرده‌فرهنگ‌های انحرافی و مجرمانه
مثبت	۰/۴۴	۴/۷۵	%۷۵	%۲۵	%۰	%۰	%۰	نبود یا کم‌بودن امکانات آموزشی و رفاهی
مثبت	۰/۴۹	۴/۶۵	%۶۵	%۳۵	%۰	%۰	%۰	نبود یا کم‌بودن مراکز و امکانات فرهنگی
مثبت	۰/۵۹	۴/۶۵	%۷۰	%۲۵	%۵	%۰	%۰	عدم انسجام و همبستگی فرهنگی در حاشیه شهرها
مثبت	۰/۶۱	۴/۵۰	%۵۵	%۴۰	%۵	%۰	%۰	وجود خرده‌فرهنگ‌های متفاوت در حاشیه شهرها (زمینه وقوع جرم)
مثبت	۰/۶۰	۴/۴۵	%۵۰	%۴۵	%۵	%۰	%۰	تضاد فرهنگی حاشیه‌نشینان با فرهنگ عمومی کلان شهرها
مثبت	۰/۴۷	۴/۷۰	%۷۰	%۳۰	%۰	%۰	%۰	نبود برنامه‌های منسجم برای ارتقاء فرهنگی حاشیه‌نشینان
مثبت	۰/۹۸	۴/۲۱	%۵۳	%۲۱	%۲۱	%۵	%۰	ضعف در پایبندی به اصول و مبانی دینی و مذهبی
مثبت	۰/۳۸	۴/۸۶	%۸۶	%۱۴	%۰	%۰	%۰	اقتصادی بُعد
مثبت	۰/۵۰	۴/۶۰	%۶۰	%۴۰	%۰	%۰	%۰	مؤلفه‌ها برقراری تمهیدات لازم در جهت بهبود کیفیت زندگی
مثبت	۰/۶۰	۴/۴۰	%۴۵	%۵۰	%۵	%۰	%۰	ایجاد زمینه به دست آوردن مشاغل بهتر حداقل برای نسل دوم خانواده‌های حاشیه‌نشین
مثبت	۰/۵۵	۴/۷۵	%۸۰	%۱۵	%۵	%۰	%۰	برقراری فرصت‌های شغلی و اقتصادی منطبق با ویژگی‌های مهاجران
مثبت	۰/۵۰	۴/۶۰	%۶۰	%۴۰	%۰	%۰	%۰	آموزش‌های فنی حرفه‌ای و بالابردن مهارت نیروی کار
مثبت	۰/۴۹	۴/۶۵	%۶۵	%۳۵	%۰	%۰	%۰	ایجاد زمینه اشتغال برای افراد جویای کار
مثبت	۰/۴۹	۴/۶۵	%۶۵	%۳۵	%۰	%۰	%۰	توان‌مندسازی خانواده‌های زندانیان در حاشیه شهر

نتیجه	شاخص‌های توصیفی		درصد فراوانی نظرات و دیدگاه‌های خبرگان در مرحله سوّم					عناوین ابعاد و مؤلفه‌ها
	انحراف معیار	میانگین	کاملاً موافق	موافق	تأخودی موافق	مخالف	کاملاً مخالف	
مثبت	۰/۵۷	۴/۷۰	٪۷۵	٪۲۰	٪۵	٪۰	٪۰	حمایت و پشتیبانی مالی از معتمدان حاشیه که تمایل به ترک دارند
مثبت	۰/۵۱	۴/۵۰	٪۵۰	٪۵۰	٪۰	٪۰	٪۰	مشارکت حاشیه‌نشینان در امور اقتصادی درآمدزا در حاشیه شهر
مثبت	۰/۶۰	۴/۵۵	٪۶۰	٪۳۵	٪۵	٪۰	٪۰	ایجاد مهارت و حرفه‌آموزی در زندان و اشتغال زندانیان آزادشده بیکار
مثبت	۰/۴۹	۴/۶۵	٪۶۵	٪۳۵	٪۰	٪۰	٪۰	حمایت از زنان سرپرست خانوار (ایجاد زمینه و بستر اشتغال)
مثبت	۰/۴۷	۴/۷۰	٪۷۰	٪۳۰	٪۰	٪۰	٪۰	حمایت از اقشار ضعیف که امکان فعالیت اقتصادی ندارند (از کار افتاده‌ها، معلولین و ...)
مثبت	۰/۳۱	۴/۹۰	٪۹۰	٪۱۰	٪۰	٪۰	٪۰	تقسیم عادلانه امکانات و منابع
مثبت	۰/۵۷	۴/۷۰	٪۷۵	٪۲۰	٪۵	٪۰	٪۰	ایجاد شغل مناسب برای کسانی که در گذشته مرتکب جرم شده‌اند
مثبت	۰/۳۸	۴/۸۶	٪۸۶	٪۱۴	٪۰	٪۰	٪۰	کالبدی - زیرساختی
مثبت	۰/۷۵	۴/۱۵	٪۳۵	٪۴۵	٪۲۰	٪۰	٪۰	مؤلفه‌ها شناسایی و تبیین دلایل مهاجرت به حاشیه شهر
مثبت	۰/۶۹	۴/۴۵	٪۵۵	٪۳۵	٪۱۰	٪۰	٪۰	احداث معابر و گذرگاه‌ها برای دسترسی آسان و فوری پلیس و امنیتی و اکیپ‌های امداد مثل خودروهای آتش‌نشانی و اورژانس
مثبت	۰/۶۰	۴/۵۵	٪۶۰	٪۳۵	٪۵	٪۰	٪۰	ایجاد روشنایی کافی در کوچه‌ها و معابر
مثبت	۰/۴۱	۴/۸۰	٪۸۰	٪۲۰	٪۰	٪۰	٪۰	ارائه خدمات اجتماعی لازم به محله‌ها (نظیر مشاوره‌های خانواده و ...)
مثبت	۰/۳۷	۴/۸۵	٪۸۵	٪۱۵	٪۰	٪۰	٪۰	اصلاح ساختار نظام شهری و برنامه‌ریزی بلندمدت برای جلوگیری از ساخت و ساز در حاشیه شهر
مثبت	۰/۴۴	۴/۷۵	٪۷۵	٪۲۵	٪۰	٪۰	٪۰	تأمین امکانات و تأسیسات مورد نیاز و ارائه خدمات مطلوب شهری
مثبت	۰/۴۹	۴/۶۵	٪۶۵	٪۳۵	٪۰	٪۰	٪۰	پاسخ‌گویی و رسیدگی شهرداری به رفع مشکلات محلات حاشیه شهر
مثبت	۰/۴۷	۴/۷۰	٪۷۰	٪۳۰	٪۰	٪۰	٪۰	ایجاد علاقه‌مندی و رضایت ساکنان از محیط پیرامون
مثبت	۰/۶۹	۴/۴۵	٪۵۵	٪۳۵	٪۱۰	٪۰	٪۰	کمک به توسعه مراکز فرهنگی

نتیجه	شاخص‌های توصیفی		درصد فراوانی نظرات و دیدگاه‌های خبرگان در مرحله سوم					عناوین ابعاد و مؤلفه‌ها
	انحراف معیار	میانگین	کاملاً موافق	موافق	تأخودی موافق	مخالف	کاملاً مخالف	
مثبت	۰/۵۹	۴/۶۵	%۷۰	%۲۵	%۵	%۰	%۰	تجهیز کتابخانه‌ها و برگزاری مسابقات فرهنگی و ورزشی
مثبت	۰/۵۷	۴/۷۰	%۷۵	%۲۰	%۵	%۰	%۰	نوسازی فضاهای فرسوده
مثبت	۰/۴۵	۴/۷۴	%۷۴	%۲۶	%۰	%۰	%۰	سامان‌دهی مشاغل مزاحم و کاذب در حاشیه شهر
مثبت	۰/۶۰	۴/۴۵	%۵۰	%۴۵	%۵	%۰	%۰	تثبیت و محدودسازی حاشیه شهری (جلوگیری از گسترش حاشیه‌نشینی)
مثبت	۰/۵۰	۴/۶۰	%۶۰	%۴۰	%۰	%۰	%۰	اصلاح نظام شهرسازی در حاشیه شهر
مثبت	۰/۷۰	۴/۴۷	%۵۸	%۳۲	%۱۱	%۰	%۰	جلوگیری از ایجاد مشاغل و فعالیت‌های غیرمجاز و متعارض با هنجارهای جامعه
مثبت	۰/۰۰	۵/۰۰	%۱۰۰	%۰	%۰	%۰	%۰	حقوقی - قضایی
مثبت	۰/۷۳	۴/۳۰	%۴۵	%۴۰	%۱۵	%۰	%۰	افزایش توان امنیتی و قضایی
مثبت	۰/۶۹	۴/۵۰	%۶۰	%۳۰	%۱۰	%۰	%۰	توجه بیشتر نظام قضایی به جرایم مهم حاشیه شهر
مثبت	۰/۵۱	۴/۵۵	%۵۵	%۴۵	%۰	%۰	%۰	اصلاح قوانین متناسب قضایی با موضوعات جرایم حاشیه شهر
مثبت	۰/۶۰	۴/۴۵	%۵۰	%۴۵	%۵	%۰	%۰	برنامه‌ریزی برای تشدید برخورد دستگاه قضا با افراد مختل نظم
مثبت	۰/۶۰	۴/۴۰	%۴۵	%۵۰	%۵	%۰	%۰	ایجاد زیرساخت‌های لازم برای پاسخ‌گویی سریع به موضوعات قضایی
مثبت	۰/۸۲	۴/۶۷	%۸۳	%۰	%۱۷	%۰	%۰	امنیتی - انتظامی
مثبت	۰/۴۹	۴/۶۵	%۶۵	%۳۵	%۰	%۰	%۰	شناسایی مجرمین سابقه‌دار حاشیه شهر
مثبت	۰/۵۹	۴/۶۵	%۷۰	%۲۵	%۵	%۰	%۰	کنترل غیرمحموس افراد مختل نظم و امنیت اجتماعی در حاشیه شهر
مثبت	۰/۶۹	۴/۵۰	%۶۰	%۳۰	%۱۰	%۰	%۰	تقویت امکانات و تجهیزات کلانتری‌ها و مراکز انتظامی حاشیه شهر
مثبت	۰/۸۱	۴/۳۵	%۵۵	%۲۵	%۲۰	%۰	%۰	حضور مستمر گشت‌های سیار در محلات و معابر
مثبت	۰/۷۵	۴/۳۵	%۵۰	%۳۵	%۱۵	%۰	%۰	بالا بردن ضریب امنیتی مناطق حاشیه شهر
مثبت	۰/۶۰	۴/۵۵	%۶۰	%۳۵	%۵	%۰	%۰	برخورد قاطع با افراد متخلف توسط واحدهای انتظامی و قضایی
مثبت	۰/۷۶	۴/۵۰	%۶۵	%۲۰	%۱۵	%۰	%۰	ایجاد پست‌های ثابت و سیار پلیس در محلات

نتیجه	شاخص‌های توصیفی		درصد فراوانی نظرات و دیدگاه‌های خبرگان در مرحله سوّم					عناوین ابعاد و مؤلفه‌ها	
	انحراف معیار	میانگین	کاملاً موافق	موافق	تأخودی موافق	مخالف	کاملاً مخالف		
مثبت	۰/۶۹	۴/۵۵	%۶۵	%۲۵	%۱۰	%۰	%۰	استفاده از سامانه‌های پایش تصویری	
مثبت	۰/۵۷	۴/۷۰	%۷۵	%۲۰	%۵	%۰	%۰	هم‌پاری مردمی در توسعه و ارتقاء امنیت	
مثبت	۰/۴۴	۴/۷۵	%۷۵	%۲۵	%۰	%۰	%۰	بازپروری و ایجاد فرصت‌های بازگشت به اجتماع معتادین حاشیه شهر	
مثبت	۰/۴۸	۴/۶۸	%۶۸	%۳۲	%۰	%۰	%۰	مشارکت سازنده و مستمر بین مردم و پلیس برای جلوگیری از خرده‌فروشی و عمده‌فروشی مواد مخدر	
مثبت	۰/۴۱	۴/۸۳	%۸۳	%۱۷	%۰	%۰	%۰	فرهنگی	بُعد
مثبت	۰/۶۰	۴/۶۰	%۶۵	%۳۰	%۵	%۰	%۰	افزایش آگاهی حاشیه‌نشینان با انجام فعالیت‌های فرهنگی	مؤلفه‌ها
مثبت	۰/۶۰	۴/۵۵	%۶۰	%۳۵	%۵	%۰	%۰	ارتقاء سطح سواد و فرهنگ شهرنشینی در جامعه از طریق رسانه‌های جمعی	
مثبت	۰/۶۰	۴/۴۵	%۵۰	%۴۵	%۵	%۰	%۰	تبلیغات مناسب و آموختن شیوه مناسب شهرنشینی	
مثبت	۰/۵۰	۴/۶۰	%۶۰	%۴۰	%۰	%۰	%۰	پرهیز از انگ حاشیه‌نشینی به لحاظ فرهنگ مستقر در آن مناطق	
مثبت	۰/۶۰	۴/۵۵	%۶۰	%۳۵	%۵	%۰	%۰	آموزش شهروندی و همگانی به طور منظم در این مناطق به صورت چهره به چهره و اجتماعات محلی	
مثبت	۰/۶۹	۴/۵۰	%۶۰	%۳۰	%۱۰	%۰	%۰	آموزش فرهنگ شهرنشینی به منظور جلوگیری از تداخل فرهنگی	
مثبت	۰/۴۹	۴/۶۵	%۶۵	%۳۵	%۰	%۰	%۰	توسعه مشارکت جوانان در برنامه‌های فرهنگی	
مثبت	۰/۴۹	۴/۶۵	%۶۵	%۳۵	%۰	%۰	%۰	ایجاد تفریحات سالم و مناسب برای ساکنین و بالاحص جوانان	
مثبت	۰/۵۱	۴/۵۵	%۵۵	%۴۵	%۰	%۰	%۰	گسترش مجتمع‌های فرهنگی در حاشیه شهر	
مثبت	۰/۶۰	۴/۵۵	%۶۰	%۳۵	%۵	%۰	%۰	فرهنگ‌سازی برای آگاهی عمومی در خصوص رعایت قوانین و تأکید بر حقوق شهروندی	
مثبت	۰/۴۱	۴/۸۳	%۸۳	%۱۷	%۰	%۰	%۰	اجتماعی	بُعد
مثبت	۰/۶۷	۴/۳۵	%۴۵	%۴۵	%۱۰	%۰	%۰	افزایش رضایت شهروندی (ساکنین حاشیه شهر)	مؤلفه‌ها

نتیجه	شاخص‌های توصیفی		درصد فراوانی نظرات و دیدگاه‌های خبرگان در مرحله سوم					عناوین ابعاد و مؤلفه‌ها
	انحراف معیار	میانگین	کاملاً موافق	موافق	تأخوری موافق	مخالف	کاملاً مخالف	
مثبت	۰/۶۰	۴/۴۵	%۵۰	%۴۵	%۵	%۰	%۰	تصویب طرح‌ها و برنامه‌های متناسب با توسعه در حاشیه شهر
مثبت	۰/۵۹	۴/۶۵	%۷۰	%۲۵	%۵	%۰	%۰	ایجاد نگرش مثبت در مدیران شهری نسبت به بهبود وضع موجود به وضع مطلوب در محله‌های حاشیه‌نشین
مثبت	۰/۶۹	۴/۵۰	%۶۰	%۳۰	%۱۰	%۰	%۰	حل معضل آسیب‌های و کج‌رفتاری‌های اجتماعی در سطح محلات به‌علت نبود کنترل‌های اجتماعی
مثبت	۰/۶۹	۴/۵۵	%۶۵	%۲۵	%۱۰	%۰	%۰	فراهم‌شدن بسترهای مناسب برای مقابله با فعالیت‌های مجرمانه در سطح محلات
مثبت	۰/۶۹	۴/۴۵	%۵۵	%۳۵	%۱۰	%۰	%۰	افزایش اعتماد به نفس به توانایی‌های ساکنان
مثبت	۰/۶۰	۴/۶۰	%۶۵	%۳۰	%۵	%۰	%۰	مقابله با آسیب‌های اجتماعی از جمله اعتیاد به مواد مخدر
مثبت	۰/۶۰	۴/۵۵	%۶۰	%۳۵	%۵	%۰	%۰	برنامه‌ریزی برای کاهش درگیری‌های قومی و قبیله‌ای
مثبت	۰/۷۶	۴/۵۰	%۶۵	%۲۰	%۱۵	%۰	%۰	حل مشکلات جدی خانوادگی در بین والدین و فرزندان
مثبت	۰/۴۹	۴/۸۵	%۹۰	%۵	%۵	%۰	%۰	افزایش سطح امنیت اجتماعی و امنیت روانی
مثبت	۰/۵۲	۴/۸۰	%۸۵	%۱۰	%۵	%۰	%۰	تدوین برنامه‌های بلندمدت برای کاهش مهاجرت
مثبت	۰/۴۱	۴/۸۰	%۸۰	%۲۰	%۰	%۰	%۰	زمینه‌سازی برای تشکیل شورای محلی و کمک به ظرفیت‌سازی در آنها برای مشارکت در تصدی امور جمعی
مثبت	۰/۷۵	۴/۶۰	%۷۵	%۱۰	%۱۵	%۰	%۰	برقراری حمایت قانونی برای تأمین مسکن مناسب در مناطق حاشیه شهر
حذف	۰/۹۴	۳/۸۹	%۳۲	%۳۲	%۳۲	%۵	%۰	رفع کاستی‌های موجود در قوانین و نهادهای برنامه‌ریزی شده در برخورد با کم‌درآمدها
مثبت	۰/۵۰	۴/۶۰	%۶۰	%۴۰	%۰	%۰	%۰	ایجاد شوراهای و انجمن‌هایی متشکل از افراد معتمد حاشیه‌نشینان برای حل مشکلات آنان
مثبت	۰/۳۷	۴/۸۵	%۸۵	%۱۵	%۰	%۰	%۰	افزایش احساس تعلق اجتماعی و به تبع آن مشارکت اجتماعی

نتیجه	شاخص‌های توصیفی		درصد فراوانی نظرات و دیدگاه‌های خبرگان در مرحله سوّم					عناوین ابعاد و مؤلفه‌ها	
	انحراف معیار	میانگین	کاملاً موافق	موافق	تأخودی موافق	مخالف	کاملاً مخالف		
مثبت	۰/۵۱	۴/۵۰	%۵۰	%۵۰	%۰	%۰	%۰	استفاده از توانمندی افراد محلی به واسطه قرابت‌ها	
مثبت	۰/۳۷	۴/۸۵	%۸۵	%۱۵	%۰	%۰	%۰	جلوگیری از افزایش حاشیه‌نشینی	
مثبت	۰/۶۸	۴/۶۰	%۷۰	%۲۰	%۱۰	%۰	%۰	کاهش جرایم شهری و کاهش پتانسیل جرم خیزی مناطق شهری	
مثبت	۰/۴۹	۴/۶۵	%۶۵	%۳۵	%۰	%۰	%۰	افزایش میزان همکاری محله‌ای و مشارکت	
مثبت	۰/۳۷	۴/۸۵	%۸۵	%۱۵	%۰	%۰	%۰	افزایش اعتماد عمومی	
مثبت	۰/۳۱	۴/۹۰	%۹۰	%۱۰	%۰	%۰	%۰	برقراری شرایط افزایش مشارکت و همبستگی اجتماعی	
مثبت	۰/۶۸	۴/۶۰	%۷۰	%۲۰	%۱۰	%۰	%۰	توجه به معنویت گرایی	
مثبت	۰/۶۱	۴/۵۰	%۵۵	%۴۰	%۵	%۰	%۰	راه‌اندازی مراکز بازپروری و ترک اعتیاد	
مثبت	۰/۷۶	۴/۵۰	%۶۵	%۲۰	%۱۵	%۰	%۰	اجرای اثربخش و مستمر طرح ممانعت از اسکان اتباع غیرمجاز	
مثبت	۰/۶۶	۴/۷۰	%۸۰	%۱۰	%۱۰	%۰	%۰	نظارت، کنترل و هماهنگی سازمان‌های مرتبط برای جلوگیری از اسکان اتباع غیرمجاز در حاشیه شهر	
مثبت	۰/۰۰	۵/۰۰	%۱۰۰	%۰	%۰	%۰	%۰	اقتصادی	
مثبت	۰/۸۹	۴/۵۰	%۷۰	%۱۵	%۱۰	%۵	%۰	مؤلفه‌ها برنامه‌ریزی جهت تأمین اشتغال روستائیان مهاجر در محل بومی آنان	
مثبت	۰/۴۷	۴/۷۰	%۷۰	%۳۰	%۰	%۰	%۰	آبادانی مناطق محروم و ایجاد فرصت‌های شغلی برای مردم این مناطق	
مثبت	۰/۵۷	۴/۷۰	%۷۵	%۲۰	%۵	%۰	%۰	توسعه مشارکت‌های مردمی در ایجاد پنگاه‌های اقتصادی خرد	
مثبت	۰/۴۴	۴/۷۵	%۷۵	%۲۵	%۰	%۰	%۰	ایجاد فرصت‌های شغلی و توسعه اشتغال و ساماندهی حاشیه‌نشینان	
مثبت	۰/۵۲	۴/۸۰	%۸۵	%۱۰	%۵	%۰	%۰	تشویق سرمایه‌داران شهری برای سرمایه‌گذاری در این محله‌ها به‌دلیل وجود نیروی کار فراوان و فراهم نمودن زمینه اشتغال آنها	
مثبت	۰/۲۲	۴/۹۵	%۹۵	%۵	%۰	%۰	%۰	کوتاه کردن دست زمین‌خواران و بورس‌بازان از مناطق حاشیه شهر	
مثبت	۰/۵۵	۴/۷۵	%۸۰	%۱۵	%۵	%۰	%۰	تدوین برنامه بلندمدت توسعه اقتصادی متناسب با ظرفیت‌های حاشیه شهر	

نتیجه	شاخص‌های توصیفی		درصد فراوانی نظرات و دیدگاه‌های خبرگان در مرحله سوم					عناوین ابعاد و مؤلفه‌ها
	انحراف معیار	میانگین	کاملاً موافق	موافق	تأخوری موافق	مخالف	کاملاً مخالف	
مثبت	۰/۴۴	۴/۷۵	%۷۵	%۲۵	%۰	%۰	%۰	آموزش فنون و مهارت‌های فنی لازم در حصول مشاغل مناسب و دائمی
مثبت	۰/۶۹	۴/۴۵	%۵۵	%۳۵	%۱۰	%۰	%۰	برطرف ساختن نیازهای مالی و اقتصادی شهروندان
مثبت	۰/۶۸	۴/۶۰	%۷۰	%۲۰	%۱۰	%۰	%۰	توانمندسازی شهروندان ساکن در حاشیه شهر
مثبت	۰/۵۷	۴/۷۰	%۷۵	%۲۰	%۵	%۰	%۰	حرفه و مهارت‌آموزی زندانیان و زمینه اشتغال آن‌ها در زمان آزادی
مثبت	۰/۶۸	۴/۴۰	%۵۰	%۴۰	%۱۰	%۰	%۰	بهبود بهره‌وری عوامل تولید در بنگاه‌های اقتصادی
مثبت	۰/۴۹	۴/۶۵	%۶۵	%۳۵	%۰	%۰	%۰	توسعه اشتغال و کارآفرینی
مثبت	۰/۴۹	۴/۶۵	%۶۵	%۳۵	%۰	%۰	%۰	توجه به توسعه پایدار در مناطق حاشیه‌نشینی
مثبت	۰/۴۷	۴/۷۰	%۷۰	%۳۰	%۰	%۰	%۰	رونق‌بخشیدن به فضای کسب و کار و ایجاد اشتغال مولد در روستاها
مثبت	۰/۴۱	۴/۸۳	%۸۳	%۱۷	%۰	%۰	%۰	حقوقی - قضایی
مثبت	۰/۵۷	۴/۷۰	%۷۵	%۲۰	%۵	%۰	%۰	مؤلفه‌ها اجرای دقیق قوانین و احکام صادره که منجر به حفظ و ثبات اجتماعی و بقای حقوق مدنی، فردی و اجتماعی افراد می‌شود
مثبت	۰/۶۰	۴/۴۵	%۵۰	%۴۵	%۵	%۰	%۰	بازنگری و اصلاح در قوانین قضایی و حقوقی مرتبط با جرایم
مثبت	۰/۶۶	۴/۷۰	%۸۰	%۱۰	%۱۰	%۰	%۰	قاطعیت داشتن در اجرای قوانین
مثبت	۰/۶۹	۴/۵۰	%۶۰	%۳۰	%۱۰	%۰	%۰	بهبود شرایط دسترسی اقشار ضعیف به فرآیندهای عدالت کیفری
مثبت	۰/۶۰	۴/۶۰	%۶۵	%۳۰	%۵	%۰	%۰	آشنایی نوجوانان و جوانان با حقوق خود توسط قوه قضائیه
مثبت	۰/۵۲	۴/۸۰	%۸۵	%۱۰	%۵	%۰	%۰	بیان و آموزش موضوعات حقوقی و قانونی و عواقب جرائم
مثبت	۰/۵۷	۴/۷۰	%۷۵	%۲۰	%۵	%۰	%۰	تقویت فرهنگ قانون‌گرایی از مهد کودک، ابتدایی و...
مثبت	۰/۵۹	۴/۶۵	%۷۰	%۲۵	%۵	%۰	%۰	تشدید مجازات جرم حمل سلاح
مثبت	۰/۵۸	۴/۶۸	%۷۴	%۲۱	%۵	%۰	%۰	عدم اطاله دادرسی در محاکم قضایی

نتیجه	شاخص‌های توصیفی		درصد فراوانی نظرات و دیدگاه‌های خبرگان در مرحله سوّم					عناوین ابعاد و مؤلفه‌ها	
	انحراف معیار	میانگین	کاملاً موافق	موافق	تأخودی موافق	مخالف	کاملاً مخالف		
مثبت	۰/۴۷	۴/۷۰	%۷۰	%۳۰	%۰	%۰	%۰	برقراری ارتباط مناسب و مفید تشکیلات قضایی مناسب با ساکنین حاشیه	
مثبت	۰/۵۷	۴/۷۰	%۷۵	%۲۰	%۵	%۰	%۰	آگاهی‌بخشی عمومی نسبت به قوانین و مقررات و مجازات‌های قانونی جرایم	
مثبت	۰/۹۴	۴/۵۵	%۷۵	%۱۵	%۰	%۱۰	%۰	تعیین مجازات مناسب باعمل ارتكابی برای متنبه شدن و ندامت مجرمین	
مثبت	۰/۸۳	۴/۵۵	%۷۰	%۲۰	%۵	%۵	%۰	برخورد قاطع در اجرای احکام صادره برای جلوگیری از گستاخی مجرمان	
مثبت	۰/۰۰	۵/۰۰	%۱۰۰	%۰	%۰	%۰	%۰	کالبدی- زیرساختی	
مثبت	۰/۶۸	۴/۴۰	%۵۰	%۴۰	%۱۰	%۰	%۰	ایجاد مدیریت واحد شهری برای کنترل ساخت و سازها و افزایش بُعد فیزیکی شهر	
مثبت	۰/۴۷	۴/۷۰	%۷۰	%۳۰	%۰	%۰	%۰	ایجاد مراکز تفریحی و آموزشی در مناطق محروم و حاشیه شهر	
مثبت	۰/۴۹	۴/۶۵	%۶۵	%۳۵	%۰	%۰	%۰	تدارک برنامه‌های تفریحی و آموزشی برای جوانان مناطق حاشیه شهر	
مثبت	۰/۶۹	۴/۴۵	%۵۵	%۳۵	%۱۰	%۰	%۰	گسترش خدمات‌رسانی رفاهی از طریق شهرداری‌ها در زمینه آب، برق و...	
مثبت	۰/۵۰	۴/۶۰	%۶۰	%۴۰	%۰	%۰	%۰	ایجاد و تأسیس مراکز تفریحی و ورزشی و گردش‌گری سالم و کتابخانه‌ها و ... برای کلیه اقشار جامعه	
مثبت	۰/۵۰	۴/۶۰	%۶۰	%۴۰	%۰	%۰	%۰	ارتقاء سطح بهداشت در حاشیه شهر	
مثبت	۰/۴۴	۴/۷۵	%۷۵	%۲۵	%۰	%۰	%۰	اجرای طرح‌های بهسازی خیابان‌ها و معابر عمومی	
مثبت	۰/۴۹	۴/۶۵	%۶۵	%۳۵	%۰	%۰	%۰	ایجاد فضای سبز و امکانات سالم تفریحی	
مثبت	۰/۵۰	۴/۶۰	%۶۰	%۴۰	%۰	%۰	%۰	احداث مراکز آموزشی و خدماتی در حاشیه شهر نظیر مدارس، آموزشگاه‌ها، ایستگاه‌های آتش‌نشانی و...	
مثبت	۰/۵۰	۴/۶۰	%۶۰	%۴۰	%۰	%۰	%۰	برقراری سیستم حمل و نقل شهری در حاشیه شهر	
مثبت	۰/۶۱	۴/۵۰	%۵۵	%۴۰	%۵	%۰	%۰	اجرای طرح‌های مقاوم‌سازی و زیباسازی سازه‌های مستقر در این محله‌ها	
مثبت	۰/۶۰	۴/۴۵	%۵۰	%۴۵	%۵	%۰	%۰	وضع قوانین و مقررات برای جلوگیری از ساخت و سازهای جدید در حریم شهرها	

نتیجه	شاخص‌های توصیفی		درصد فراوانی نظرات و دیدگاه‌های خبرگان در مرحله سوم					عناوین ابعاد و مؤلفه‌ها
	انحراف معیار	میانگین	کاملاً موافق	موافق	تأخودی موافق	مخالف	کاملاً مخالف	
مثبت	۰/۵۹	۴/۶۵	٪۷۰	٪۲۵	٪۵	٪۰	٪۰	وضع قوانین و مقررات برای جلوگیری از پیدایش محله‌های جدید حاشیه‌نشین
مثبت	۰/۴۴	۴/۷۵	٪۷۵	٪۲۵	٪۰	٪۰	٪۰	جلوگیری از تمرکز صنایع و کارخانجات در شهرهای بزرگ
مثبت	۰/۶۰	۴/۵۵	٪۶۰	٪۳۵	٪۵	٪۰	٪۰	برنامه‌ریزی و طراحی ساختارهای شهری و سبک و الگوی ساخت و ساز
مثبت	۰/۵۱	۴/۵۵	٪۵۵	٪۴۵	٪۰	٪۰	٪۰	توزیع متعادل کاربری در سطح شهر برای افزایش نظارت اجتماعی در مناطق خلوت
مثبت	۰/۶۰	۴/۴۵	٪۵۰	٪۴۵	٪۵	٪۰	٪۰	افزایش نظارت اجتماعی در مناطق خلوت حاشیه شهر
مثبت	۰/۶۱	۴/۵۰	٪۵۵	٪۴۰	٪۵	٪۰	٪۰	کاهش تراکم جمعیت در بخش‌های متراکم
مثبت	۰/۴۹	۴/۶۵	٪۶۵	٪۳۵	٪۰	٪۰	٪۰	متناسب‌سازی فضای شهری در مناطق حاشیه‌نشین
مثبت	۰/۵۷	۴/۷۰	٪۷۵	٪۲۰	٪۵	٪۰	٪۰	جلوگیری از ایجاد مکان‌های پنهان و فاقد نظارت برای کمترکردن پتانسیل فعالیت مجرمان
مثبت	۰/۵۱	۴/۴۵	٪۴۵	٪۵۵	٪۰	٪۰	٪۰	استفاده هوشمندانه از فضای انسان‌ساخت به منظور ارتقاء امنیت شهری در فرایند طراحی برنامه‌ریزی محیط مصنوع
حذف	۱/۰۳	۳/۹۵	٪۳۷	٪۳۲	٪۲۱	٪۱۱	٪۰	ایجاد مراکز فرهنگی، ورزشی، هنری و علمی
مثبت	۰/۵۱	۴/۵۵	٪۵۵	٪۴۵	٪۰	٪۰	٪۰	دایرکردن مراکز مالدکاری و مشاوره برای مردم همسو با پیش‌گیری از جرم
مثبت	۰/۶۱	۴/۵۰	٪۵۵	٪۴۰	٪۵	٪۰	٪۰	بازسازی محلات فرسوده
حذف	۰/۹۱	۳/۹۰	٪۲۵	٪۵۰	٪۱۵	٪۱۰	٪۰	ایجاد فضاهای رفاهی بیشتر
حذف	۱/۱۳	۳/۹۵	٪۴۲	٪۲۶	٪۱۶	٪۱۶	٪۰	انجام اقدامات عمرانی از قبیل بهبود فضای سبز، ایجاد پارک و مرمت ساختمان‌ها
مثبت	۰/۵۱	۴/۵۵	٪۵۵	٪۴۵	٪۰	٪۰	٪۰	برقراری ارتباط ارگانیک و سازمانی حاشیه شهر با سایر مناطق
حذف	۰/۹۹	۳/۸۹	٪۳۲	٪۳۷	٪۲۱	٪۱۱	٪۰	تطبیق منازل و محلات با اصول و معیارهای شهرسازی
مثبت	۰/۶۰	۴/۵۵	٪۶۰	٪۳۵	٪۵	٪۰	٪۰	احداث معابر و گذرگاه ارتباطی برای امکان دسترسی امنیتی و انتظامی

نتیجه	شاخص‌های توصیفی		درصد فراوانی نظرات و دیدگاه‌های خبرگان در مرحله سوم					عناوین ابعاد و مؤلفه‌ها	
	انحراف معیار	میانگین	کاملاً موافق	موافق	تأملی موافق	مخالف	کاملاً مخالف		
مثبت	۰/۶۰	۴/۵۵	٪۶۰	٪۳۵	٪۵	٪۰	٪۰	برنامه‌ریزی، تأمین امکانات و زیرساخت‌های لازم برای جلوگیری از مهاجرت روستائیان و شهرهای کوچک به کلان‌شهرها	
مثبت	۰/۴۱	۴/۸۳	٪۸۳	٪۱۷	٪۰	٪۰	٪۰	امنیتی - انتظامی	بُعد
مثبت	۰/۶۰	۴/۶۰	٪۶۵	٪۳۰	٪۵	٪۰	٪۰	تخصصی کردن پلیس و افزایش سطح علمی و اجرایی پلیس	مؤلفه‌ها
مثبت	۰/۶۰	۴/۴۵	٪۵۰	٪۴۵	٪۵	٪۰	٪۰	تدوین طرح‌های مفید و قابل اجرا و عملی و جامع جهت پیش‌گیری، شناسایی و کشف جرایم	
مثبت	۰/۶۰	۴/۴۵	٪۵۰	٪۴۵	٪۵	٪۰	٪۰	فعال‌کردن شبکه اطلاعات مردمی و اطلاع‌رسانی صحیح	
مثبت	۰/۴۸	۴/۶۸	٪۶۸	٪۳۲	٪۰	٪۰	٪۰	تشویق مردم به همکاری با پلیس در جهت افزایش امنیت حاشیه شهر	
مثبت	۰/۷۵	۴/۴۰	٪۵۵	٪۳۰	٪۱۵	٪۰	٪۰	لحاظ کردن ملاحظات امنیتی و انتظامی با تأیید نیروی انتظامی در تصویب طرح‌های مسکن و شهرسازی	
مثبت	۰/۹۴	۴/۶۰	٪۷۵	٪۲۰	٪۰	٪۰	٪۵	نظارت و کنترل مستمر مجرمین سابقه‌دار حاشیه شهر توسط پلیس	
مثبت	۰/۶۰	۴/۶۰	٪۶۵	٪۳۰	٪۵	٪۰	٪۰	شناسایی مکان‌های آسیب‌پذیر و افزایش میزان تردد توسط نیروی انتظامی	
مثبت	۰/۶۰	۴/۶۰	٪۶۵	٪۳۰	٪۵	٪۰	٪۰	جمع‌آوری سلاح و مهمات و تجهیزات غیر مجاز	
مثبت	۰/۶۷	۴/۳۵	٪۴۵	٪۴۵	٪۱۰	٪۰	٪۰	نظارت اثربخش بر نگهداری و مصرف مجاز مواد ناریه	
مثبت	۰/۵۱	۴/۵۵	٪۵۵	٪۴۵	٪۰	٪۰	٪۰	استفاده از پلیس مشارکتی یا نگهبان محله	
مثبت	۰/۴۱	۴/۸۳	٪۸۳	٪۱۷	٪۰	٪۰	٪۰	فرهنگی	بُعد
مثبت	۰/۵۶	۴/۷۴	٪۷۹	٪۱۶	٪۵	٪۰	٪۰	توسعه فرهنگ و آموزش‌های لازم در ابعاد اجتماعی و اقتصادی	مؤلفه‌ها
مثبت	۰/۵۷	۴/۷۰	٪۷۵	٪۲۰	٪۵	٪۰	٪۰	استفاده از رسانه‌ها (دیداری، نوشتاری، شنیداری و الکترونیکی، اینترنتی) در جهت افزایش آگاهی‌های افراد جامعه	
مثبت	۰/۵۷	۴/۷۰	٪۷۵	٪۲۰	٪۵	٪۰	٪۰	اطلاع‌رسانی مستند به مردم در خصوص عواقب ناگوار اعمال مجرمانه	

نتیجه	شاخص‌های توصیفی		درصد فراوانی نظرات و دیدگاه‌های خبرگان در مرحله سوم					عناوین ابعاد و مؤلفه‌ها
	انحراف معیار	میانگین	کاملاً موافق	موافق	تأخودی موافق	مخالف	کاملاً مخالف	
مثبت	۰/۴۹	۴/۶۵	٪۶۵	٪۳۵	٪۰	٪۰	٪۰	توانمندسازی بزهکاران و مجرمان از حیث روانشناختی و آموزش‌های حرفه‌ای پس از تحمل مجازات برای توانایی جذب شدن در بازار کار
مثبت	۰/۵۷	۴/۷۰	٪۷۵	٪۲۰	٪۵	٪۰	٪۰	تقویت فعالیت رسانه‌ها به خصوص صدا و سیما برای افزایش و ارتقاء نظام آموزشی در مسیر ارتقاء آگاهی عمومی
مثبت	۰/۴۴	۴/۷۵	٪۷۵	٪۲۵	٪۰	٪۰	٪۰	آموزش معلمان و مدیران مدارس و مراکز آموزشی - تفریحی در مورد نحوه و چگونگی برخورد با ناهنجاری و بلاخلافی‌های موجود در محیط کاری آن‌ها
مثبت	۰/۴۷	۴/۷۰	٪۷۰	٪۳۰	٪۰	٪۰	٪۰	اقدام همه‌جانبه از سوی سازمان‌ها و مراجع ذی‌ربط در جهت فراهم‌نمودن امکانات مناسب فرهنگی و اجتماعی و اشتغال‌زایی
مثبت	۰/۴۷	۴/۷۰	٪۷۰	٪۳۰	٪۰	٪۰	٪۰	ارائه آموزش‌های لازم شهری از طریق رسانه‌های محلی
مثبت	۰/۴۱	۴/۸۰	٪۸۰	٪۲۰	٪۰	٪۰	٪۰	سامان‌دهی گروه‌های موجود در این محله‌ها در جهت انجام فعالیت‌های مفید و سازنده از طریق فعالیت‌های فرهنگی
مثبت	۰/۴۱	۴/۸۰	٪۸۰	٪۲۰	٪۰	٪۰	٪۰	تشکیل تیم مشاوره‌ای در شهرداری‌ها به منظور ارائه خدمات مشاوره شغلی، فنی، بهزیستی - سلامت و اجتماعی به مهاجران محله
مثبت	۰/۴۴	۴/۷۵	٪۷۵	٪۲۵	٪۰	٪۰	٪۰	بهبود ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی برای کاهش زمینه‌های ارتکاب به جرم
مثبت	۰/۴۹	۴/۶۵	٪۶۵	٪۳۵	٪۰	٪۰	٪۰	آموزش خانواده‌ها جهت تربیت مناسب کودکان و نوجوانان
مثبت	۰/۴۱	۴/۸۰	٪۸۰	٪۲۰	٪۰	٪۰	٪۰	جلب مشارکت‌های سازنده مردمی و تعامل با نهادهای جامعه
مثبت	۰/۳۷	۴/۸۵	٪۸۵	٪۱۵	٪۰	٪۰	٪۰	توانمندسازی به جای خدمات‌رسانی
مثبت	۰/۴۹	۴/۸۵	٪۹۰	٪۵	٪۵	٪۰	٪۰	بهره‌گیری از فضای سایبری و شبکه‌های اجتماعی جهت افزایش سطح آگاهی عمومی و پیش‌گیری از جرم در حاشیه شهر
مثبت	۰/۰۰	۵/۰۰	٪۱۰۰	٪۰	٪۰	٪۰	٪۰	اجتماعی

نتیجه	شاخص‌های توصیفی		درصد فراوانی نظرات و دیدگاه‌های خبرگان در مرحله سوّم					عناوین ابعاد و مؤلفه‌ها
	انحراف معیار	میانگین	کاملاً موافق	موافق	تأخودی موافق	مخالف	کاملاً مخالف	
مثبت	۰/۶۴	۴/۷۵	٪۸۵	٪۵	٪۱۰	٪۰	٪۰	مؤلفه‌ها کنترل افراد مهاجر و غیربومی و تشویق آنان به مهاجرت معکوس
مثبت	۰/۶۸	۴/۶۰	٪۷۰	٪۲۰	٪۱۰	٪۰	٪۰	تشویق مشارکت محله‌ای
مثبت	۰/۶۹	۴/۴۵	٪۵۵	٪۳۵	٪۱۰	٪۰	٪۰	تقویت و گسترش ارتباط بین ساکنان حاشیه‌نشین و متولیان مدیریت شهری
مثبت	۰/۷۶	۴/۵۰	٪۶۵	٪۲۰	٪۱۵	٪۰	٪۰	ریشه‌یابی معضل حاشیه‌نشینی
مثبت	۰/۵۱	۴/۵۰	٪۵۰	٪۵۰	٪۰	٪۰	٪۰	به‌کارگیری نیروهای متخصص جامعه‌شناسی و روان‌شناسی در جهت مشاوره و کمک به حل مسائل نوجوانان و جوانان حاشیه شهر
مثبت	۰/۴۷	۴/۷۰	٪۷۰	٪۳۰	٪۰	٪۰	٪۰	فراهم‌نمودن تسهیلات برای توانمندسازی ساکنان مناطق حاشیه‌نشین
مثبت	۰/۵۰	۴/۶۰	٪۶۰	٪۴۰	٪۰	٪۰	٪۰	افزایش سرمایه اجتماعی و ایجاد زمینه مشارکت، آگاهی، همبستگی و اعتماد اجتماعی در محله‌ها
مثبت	۰/۵۰	۴/۶۰	٪۶۰	٪۴۰	٪۰	٪۰	٪۰	توجه به کنترل‌های غیررسمی از طریق بخش مدنی جامعه
مثبت	۰/۶۷	۴/۳۵	٪۴۵	٪۴۵	٪۱۰	٪۰	٪۰	استفاده از افراد رهاشده از اعتیاد در بنگاه‌های اقتصادی با نظارت غیر محسوس
مثبت	۰/۴۹	۴/۶۵	٪۶۵	٪۳۵	٪۰	٪۰	٪۰	ایجاد تشکلهای رسمی و غیر رسمی در جهت فراهم‌نمودن زمینه‌های مناسب اشتغال افراد بزه‌کار
مثبت	۰/۴۱	۴/۸۰	٪۸۰	٪۲۰	٪۰	٪۰	٪۰	آموزش حقوق و وظایف شهروندی
مثبت	۰/۴۷	۴/۷۰	٪۷۰	٪۳۰	٪۰	٪۰	٪۰	توجه بیشتر به روستا و روستائیان
مثبت	۰/۴۷	۴/۷۰	٪۷۰	٪۳۰	٪۰	٪۰	٪۰	تلاش و توجه سازمان‌های ذی‌ربط برای رفع مشکلات تأثیرگذار در ارتکاب جرم
مثبت	۰/۵۰	۴/۶۰	٪۶۰	٪۴۰	٪۰	٪۰	٪۰	اتخاذ سیاست‌های مناسب در نهادهای قانون‌گذاری برای پیش‌گیری از جرم
مثبت	۰/۶۰	۴/۵۵	٪۶۰	٪۳۵	٪۵	٪۰	٪۰	تقویت تعامل با نهادهای بین‌المللی متولی پیشگیری از جرم
مثبت	۰/۵۱	۴/۵۵	٪۵۵	٪۴۵	٪۰	٪۰	٪۰	ایجاد انگیزش احساس مالکیت و تملک‌پذیری شهروندی
مثبت	۰/۵۷	۴/۷۰	٪۷۵	٪۲۰	٪۵	٪۰	٪۰	اجرای هدفمند راه‌کارهای پیش‌گیرانه
حذف	۱/۱۵	۳/۸۹	٪۴۲	٪۲۱	٪۲۱	٪۱۶	٪۰	توجه به عدالت و رفاه اجتماعی

نتیجه	شاخص‌های توصیفی		درصد فراوانی نظرات و دیدگاه‌های خبرگان در مرحله سوم					عناوین ابعاد و مؤلفه‌ها
	انحراف معیار	میانگین	کاملاً موافق	موافق	تأملی موافق	مخالف	کاملاً مخالف	
مثبت	۰/۳۱	۴/۹۰	%۹۰	%۱۰	%۰	%۰	%۰	افزایش مراقبت‌های دوران کودکی توسط خانواده‌ها
مثبت	۰/۶۰	۴/۶۰	%۶۵	%۳۰	%۵	%۰	%۰	حذف یا تقلیل پیش‌شرط‌های بزهکاری
مثبت	۰/۴۴	۴/۷۵	%۷۵	%۲۵	%۰	%۰	%۰	کنترل فرصت‌ها و وسایل جرم‌زا
مثبت	۰/۴۷	۴/۷۰	%۷۰	%۳۰	%۰	%۰	%۰	بومی‌سازی برنامه‌های پیش‌گیرانه و انطباق آن با امکانات و ویژگی‌های جامعه
مثبت	۰/۴۱	۴/۸۰	%۸۰	%۲۰	%۰	%۰	%۰	مشارکت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نهادهای مردمی
مثبت	۰/۴۷	۴/۷۰	%۷۰	%۳۰	%۰	%۰	%۰	تقویت خودکنترلی و اعتماد به‌نفس در جوانان و آموختن نه‌گفتن به آنان
مثبت	۰/۴۴	۴/۷۵	%۷۵	%۲۵	%۰	%۰	%۰	آموزش مهارت‌های زندگی با هدف کاستن از خشونت
مثبت	۰/۶۰	۴/۶۰	%۶۵	%۳۰	%۵	%۰	%۰	تدوین و اجرای برنامه‌های کارآفرینی و توانمندسازی بزه‌دیدگان
مثبت	۰/۴۹	۴/۶۵	%۶۵	%۳۵	%۰	%۰	%۰	توجه به نیازهای خاص اقشار آسیب‌پذیر اجتماع
مثبت	۰/۴۹	۴/۶۵	%۶۵	%۳۵	%۰	%۰	%۰	امکان دستیابی به فرصت‌های شغلی و آموزشی
مثبت	۰/۴۹	۴/۶۵	%۶۵	%۳۵	%۰	%۰	%۰	ایجاد واحدهای خدمات اجتماعی و مددکاری اجتماعی
مثبت	۰/۴۹	۴/۶۵	%۶۵	%۳۵	%۰	%۰	%۰	تدوین و اجرای برنامه‌های اجتماعی برای استحکام و قوام خانواده‌ها
مثبت	۰/۴۱	۴/۸۰	%۸۰	%۲۰	%۰	%۰	%۰	تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد در پیش‌گیری از جرم در حاشیه شهر
مثبت	۰/۵۰	۴/۶۰	%۶۰	%۴۰	%۰	%۰	%۰	توسعه خدمات اجتماعی به افراد آسیب‌پذیر و پرخطر

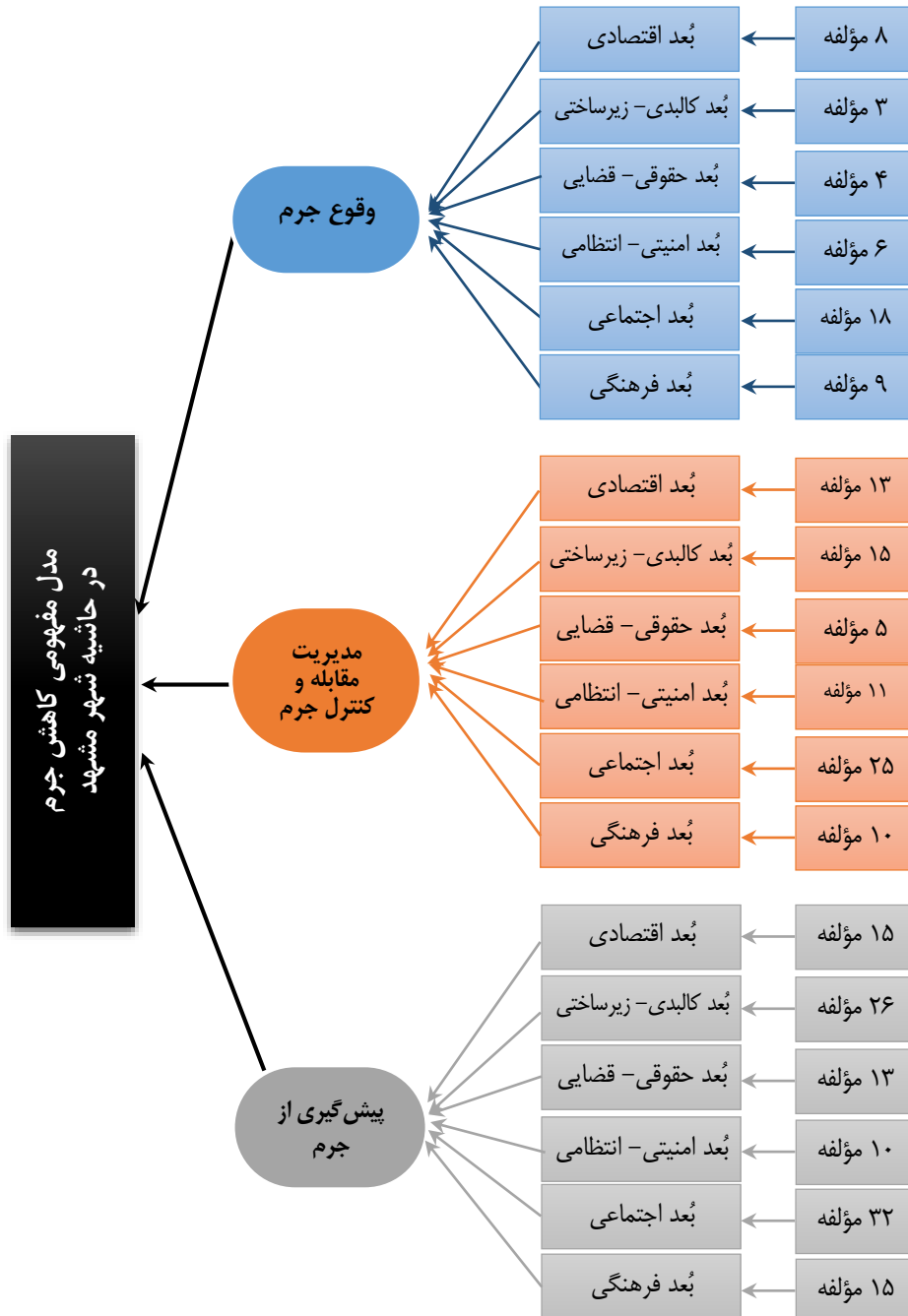
همان‌طور که یافته‌های جدول ۱ نشان می‌دهد، از بین ۱۸ بُعد و ۲۴۳ مؤلفه مطرح و حاصل شده از مراحل قبلی دلفی، فقط تعداد ۶ مؤلفه امتیاز لازم را برای سنجش ابعاد مدل کاهش جرم در حاشیه شهر مشهد کسب نکرده‌اند. در واقع، از دیدگاه خبرگان، در این مرحله اکثر مؤلفه‌های موجود، مؤثر و در طراحی مدل از اهمیت لازم برخوردار بوده و متوسط امتیازی بالاتر از ۴ و حتی

۴/۵ را کسب کرده‌اند. همچنین، پاسخ‌های آزمودنی یا گروه خبرگان در تمامی مؤلفه‌های معنی‌دار به سمت گزینه‌های کاملاً موافق و موافق گرایش پیدا کرده و تقریباً نظر گروه خبرگان برای آن مؤلفه‌ها دارای پراکندگی زیاد نیست. بنابراین، چون اعضای پانل دلفی با ۱۸ بُعد و ۲۳۷ مؤلفه از ۲۴۳ مؤلفه (خبرگان با حدود ۹۸ درصد مؤلفه‌ها موافقت کرده‌اند) می‌توان چنین نتیجه گرفت که اجماع و اتفاق نظر بین گروه خبرگان برای ابعاد و مؤلفه‌های حاصله برای پردازش مدل، به دست آمده و از این متغیرها می‌توان برای پرسش‌نامه نهایی و آزمون مدل کاهش جرم در حاشیه شهر مشهد در جامعه آماری استفاده کرد.

نتیجه‌گیری

بر مبنای نتایج حاصل از ادبیات و مبانی نظری و نیز دیدگاه‌ها و نظرات اعضای پانل خبرگان، مدل مفهومی کاهش جرم در حاشیه شهر مشهد از ۱۸ بُعد و ۲۳۷ مؤلفه در سه مرحله تشکیل شده و نتیجه این پژوهش را تشکیل می‌دهد. بنابراین، کلیه تجزیه و تحلیل‌ها و پاسخ به پرسش‌های پژوهش، بر مبنای مؤلفه‌های مذکور که مستخرج از تکنیک دلفی در سه مرحله شکل گرفته‌اند، انجام شده است. در واقع، مدل حاصله و نهایی شده برآمده از تکنیک دلفی در مرحله وقوع جرم شامل ۶ بُعد و ۴۸ مؤلفه؛ در مرحله مدیریت مقابله و کاهش جرم متشکل از ۶ بُعد و ۷۹ مؤلفه؛ و در مرحله پیش‌گیری از جرم شامل ۶ بُعد و ۱۱۰ مؤلفه است. در شکل ۱ مدل مفهومی پژوهش که از طرح دلفی (دیدگاه‌های خبرگان) حاصل شده، ارائه می‌شود. در واقع، این شکل نتیجه نهایی بخش کیفی پژوهش که ارائه مدل مفهومی برای کاهش جرم در حاشیه شهر مشهد است، را بازتاب می‌دهد.

شکل ۱. مدل مفهومی کاهش جرم در حاشیه شهر مشهد (مستخرج از تکنیک دلفی)



منابع

- ابراهیمی، شهرام (۱۳۸۷) «پیشگیری از جرم در چالش با موازین حقوق بشر»، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران.
- ابراهیمی، شهرام (۱۳۸۸) «رویکردهای موسع و مضیق پیشگیری و آثار آن»، آموزه‌های حقوقی، شماره ۱۲.
- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۱) جرم‌شناسی پیش‌گیری، تهران: میزان.
- استانویک، جان (۱۳۸۷) الزامات پیشگیری از جرم اوان کودکی بر کار پلیس، ترجمه غلامرضا محمدنسل، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیش‌گیری ناجا.
- احمدی، حبیب (۱۳۸۵) جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: سمت.
- احمدی، حبیب، خواجه‌نوری، بیژن و موسوی، سیدمجید (۱۳۸۸) «عوامل مرتبط با بزهکاری دانش آموزان دبیرستانی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۳۳.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۸۸) مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بختیاری، تقی، هاشمی، حمید و سیدی، سیدعباس (۱۳۹۲) «بررسی تأثیر حاشیه‌نشینی بر جرائم اجتماعی»، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال پنجم، شماره دوم.
- بشیری، تهمورث و مظفری، محمدسعید (۱۳۹۷) «رابطه حاشیه‌نشینی با ارتکاب جرم در شهر کرمانشاه (مورد مطالعه: منطقه حاشیه‌نشین دولت‌آباد کرمانشاه در سال ۱۳۹۳)»، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دوره ۶، شماره ۱۱.
- بکاریا، سزار (۱۳۸۹) رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران: میزان.
- پارسا پزوه، سپیده (۱۳۸۳) «نگرشی از درون به پدیده حاشیه‌نشینی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۶.
- پرادل، ژان (۱۳۸۱) تاریخ اندیشه‌های کیفی، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: سمت.
- حسینی، محمدرضا (۱۳۸۴) بررسی عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی در شهر اهواز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
- حکمت‌نیا، حسن و افشانی، سید علیرضا (۱۳۸۹) «حاشیه‌نشینی و ارتکاب جرایم اجتماعی، مطالعه موردی: شهر یزد»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۲.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۱) درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، ویراست دوم، تهران: مرکز.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۹) «رهیافتی نو به بنیان‌های نظری پیش‌گیری از جرم»، مجله حقوقی دادگستری، شماره‌های ۴۸-۴۹.
- رفیع پور، علی (۱۳۷۶) توسعه و تضاد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۹) آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: آوای نور، چاپ بیست‌ویکم.

- صابری فر، رستم و جنگی، حسین (۱۳۹۶) «بررسی شاخص‌های الگوی مسکن مناسب از منظر ساکنین گروه‌های حاشیه‌نشین شهر مشهد»، *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، سال هفدهم، شماره ۴۶.
- صارمی، نوزامین (۱۳۸۰) *انحرافات اجتماعی و خرده‌فرهنگ‌های معارض*، تهران: دانشگاه علوم انتظامی ناجا.
- علیدوستی، سیروس (۱۳۸۵) «روش دلفی: مبانی، مراحل و نمونه‌هایی از کاربرد»، *فصلنامه مدیریت و توسعه*، شماره ۳۱.
- محمدنسل، غلامرضا (۱۳۹۳) «تفاوت پیشگیری از جرم با کاهش جرم»، *روزنامه ایران*، چهارشنبه ۲۸ آبان، شماره ۵۷۹۶.
- مسعودی‌فر، رضا (۱۳۸۷) «تأثیر حاشیه‌نشینی در وقوع جرم»، برگرفته از: <http://hoqouq.com/article262.html>
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۷) *پیش‌گیری از بزه‌کاری و پلیس (درآمدی بر پیش‌همایش ملی پیش‌گیری از وقوع جرم)*، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی ناجا.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۹) *پیش‌گیری عادلانه از جرم*، تهران: سمت.
- هزارجریبی، جعفر، امین صارمی، نوذر و یوسف‌وندی، فریبرز (۱۳۸۸) «اثر حاشیه‌نشینی بر وقوع جرائم اجتماعی شهر کرمانشاه»، *فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی*، سال چهارم، شماره اول.

- Eklblom, P. (2006) "Towards a Discipline of crime prevention: a systematic approach to its nature, range and Conceptions", Bennett (Ed) *Crime prevention: The cordwood Papers*. Cambridge: Cordwood.
- Farrall, Stephen (2004) "Criminal Career, Desistance and Subjectivity", *Theoretical Criminology*, Vol.8, No. 2.
- Iqbal, Susanne & Pison-Young, Laura (2009) "The Delphi method with a step-by-step guide", *Methods*, Vol. 22, No. 7.
- Ministry of Justice, Budapest (2003) *The National Strategy for Social Crime Prevention*, https://efus.eu/files/fileadmin/efus/pdf/national_strat_crime_prevention.pdf
- Patton, Michael Quinn (2001) *Qualitative Research & Evaluation Methods; Integrating Theory and Practice*, Saint Paul: Sage, Fourth Edition.
- Ratcliffe, Jerry H. (March 2004) "Crime Mapping and the Training Needs of Law Enforcement", *European Journal on Criminal Policy and Research*, Vol. 10.
- Wacquant, L. (2019) "Class, Ethnicity and State in the Making of Urban Marginality", in: *Class, Ethnicity and State in the Polarized Metropolis*, Palgrave Macmillan.
- Waller, Ervin (2005) *Crime Prevention that Works*, New York: Oxford University Press.
- Wu, F & Webster, C. (Eds.) (2010) *Marginalization in Urban China: Comparative Perspectives*, Springer.